

پدید آورندگان آزمون

طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام درس	نام طراحان
ریاضی	محمد اسدی، محمد بحیرایی، عارف بهرام‌نیا، احمد حسن‌زاده‌فرد، محمد حمیدی، رضا خانبابائی، احمد ذاکر‌زاده، امیر زراندوز، پیمان طیار، هادی فولادی، علی قهرمان‌زاده، عباس مالکی
علوم و فنون ادبی	سید علیرضا احمدی، حسن اصحابی، محسن اصغری، عزیز الیاسی‌پور، مجتبی فرهادی، مبین محمدی تراکمه، طاهره موسی‌زاده‌مقدم، رضا نوروزبیگی
جامعه‌شناسی	رانیا امیری، ریحانه امینی، آریتا بیدقی، یاسین ساعدی، سینا غلامی، سید آرش مرتضائی‌فر
روان‌شناسی	هانا احمدزاده، محمد حبیبی، محمد رضا شریفی، محمد عرفان فرهادی، فرید هادی
عربی، زبان قرآن	ابوطالب درانی، محمد رضا سوری، کامران عبدالحی، امیرعلی فردین، حمیدرضا قائدامینی، مصطفی قدیمی‌فرد، مرتضی کاظم‌شیرودی، احسان کلاته‌عربی، فرشته کیانی، محمدصادق محسنی، سید محمدعلی مرتضوی، رضا معصومی، محمد مهدی یعقوبی
تاریخ و جغرافیا	علیرضا آزادی‌زاده، راضیه ابراهیمی‌نژاد، فاطمه احمدی، علیرضا پدرام، یاسین ساعدی، علیرضا سالمی، حامد صفرخانیان، فاطمه عزیزی، مهدی کاردان، محمد مهدی یعقوبی
فلسفه و منطق	حسین آخوندی راهنماچی، جواد پاکدل، سبا جعفرزاده صابری، نیما جواهری، پرگل رحیمی، موسی سپاهی، فرهاد قاسمی‌نژاد، امیر محمد قلعه‌کاهی، علی معزی، فیروز نژادنجف، علیرضا نصیری
اقتصاد	سارا شریفی، مهدی ضیائی، احسان عالی‌نژاد، مهدی کاردان، محمدحسین متولی

گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستاران	مستندسازی
ریاضی و آمار	محمد بحیرایی	محمد بحیرایی	عرشیا محمدی عباس مالکی	مسئول درس: ابراهیم نوری ویراستار: معصومه صنعت‌کار، سجاد سلیمی
علوم و فنون ادبی	فرهاد علی‌نژاد	سید علیرضا احمدی فرهاد علی‌نژاد	محمد مهدی اسلامی	مسئول درس: قربیا رئوفی ویراستار: محسن جمشیدی، مانده ملکی، مهدی یعقوبیان
جامعه‌شناسی	سید آرش مرتضائی‌فر	سید آرش مرتضائی‌فر	—	مسئول درس: سجاد حقیقی‌پور ویراستار: سید مجتبی رضا‌زاده، زهرا شمسایی
روان‌شناسی	محمد حبیبی	محمد حبیبی	سینا غلامی	مسئول درس: محمدصدرا پنجه‌پور ویراستار: مریم عابدی، محمدحسن سعیدی
عربی زبان قرآن	احسان کلاته‌عربی	سید محمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی	مسئول درس: لیلا ایزدی ویراستار: محسن جمشیدی
تاریخ و جغرافیا	محمد مهدی یعقوبی	محمد مهدی یعقوبی	علیرضا سالمی فاطمه عزیزی	مسئول درس: محمدصدرا پنجه‌پور ویراستار: محمدحسن سعیدی
فلسفه و منطق	فرهاد علی‌نژاد	فرهاد علی‌نژاد	امیر محمد قلعه‌کاهی ایمان کلاته‌عربی	مسئول درس: سوگند بیگلری ویراستار: علی بدری، محمدحسین صادق‌پور
اقتصاد	مهدی ضیائی	سارا شریفی	سینا غلامی	مسئول درس: سجاد حقیقی‌پور ویراستار: سید مجتبی رضا‌زاده، زهرا شمسایی

گروه فنی و تولید

مدیر گروه	سید محمدعلی مرتضوی
مسئول دفترچه	فاطمه منصورخاکی
گروه مستندسازی	مدیر: محیا اصغری، مسئول دفترچه: لیلا ایزدی
حروف‌چین و صفحه‌آرا	مهشید ابوالحسنی
ناظر چاپ	حمید عباسی

با جایگذاری در تابع f و g داریم:

$$f = \{(3,1), (2,5)\}, g = \{(5,3), (2,-1), (9,1)\}$$

$$(f+g)(2) = f(2) + g(2) = 5 - 1 = 4$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۸ تا ۵۰)

(معمّر بهیرایی)

۵- گزینه «۴»

$$(f+g)(2) = f(2) + g(2) = 12 + a + 4 - b = 14$$

$$\Rightarrow a - b = -2$$

$$(f-g)(1) = f(1) - g(1) = 3 + a - 2 + b = 5$$

$$\Rightarrow a + b = 4$$

$$\begin{cases} a - b = -2 \\ a + b = 4 \end{cases} \Rightarrow 2a = 2 \Rightarrow a = 1, b = 3$$

$$\Rightarrow (f \times g)(3) = f(3) \times g(3) = 28 \times 3 = 84$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۵ تا ۵۰)

(معمّر بهیرایی)

۶- گزینه «۱»

$$D_g = D_f \cap D_g - \{x \mid f(x) = 0\} = \{3, 4, 7\}$$

$$\Rightarrow \frac{g}{f} = \{(3, \frac{1}{5}), (4, \frac{17}{4}), (7, \frac{5}{5})\} = \{(3, 2), (4, 8/5), (7, 10)\}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۵ تا ۵۳)

(امیررضا ذاکر زاده)

۷- گزینه «۳»

با توجه به نمودار داده شده، $g(x) = 2x$ و $f(x) = 3x$ است، در ضمن دامنه هر دو تابع برابر $\mathbb{R}$ است، پس:

$$(f+g)(x) = 3x + 2x \Rightarrow (f+g)(x) = 5x$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۵ تا ۵۴)

(امیررضا ذاکر زاده)

۸- گزینه «۲»

$$f(x) = \begin{cases} x+3, & x > -3 \\ -x-3, & x \leq -3 \end{cases}$$

$$\Rightarrow (f-g)(x) = \begin{cases} x+3-2x-1, & x > -3 \\ -x-3-x+1, & x \leq -3 \end{cases}$$

$$= \begin{cases} -x+2, & x > -3 \\ -2x-2, & x \leq -3 \end{cases}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۹ تا ۵۳)

ریاضی و آمار (۲)

۱- گزینه «۱»

(هادی فولادی)

ابتدا توابع $f^2 = f \times f$ و $2g$ را می‌یابیم.

$$f^2 = f \times f = \{(1, 1^2), (2, 2^2), (3, 3^2)\} = \{(1, 1), (2, 4), (3, 9)\}$$

$$2g = \{(1, 2 \times \frac{1}{4}), (2, 2 \times 2)\} = \{(1, 1), (2, 4)\}$$

حال تابع $\frac{f^2}{2g}$ را به دست می‌آوریم.

$$\frac{f^2}{2g} = \{(1, \frac{1}{1}), (2, \frac{4}{4})\}$$

$$= \{(1, 1), (2, 1)\} \Rightarrow a = 1$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۵ تا ۵۰)

۲- گزینه «۳»

(پیمان طیار)

$$f(1) = 2(1) + 4 = 6$$

$$g(1) = 1^2 + 1 = 2$$

$$f(0) = 2(0) + 4 = 4$$

$$g(0) = 0^2 + 1 = 1$$

$$\frac{(f+g)(1)}{(f \times g)(0)} = \frac{f(1) + g(1)}{f(0) \times g(0)} = \frac{6+2}{4 \times 1} = \frac{8}{4} = 2$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۵ تا ۵۰)

۳- گزینه «۳»

(علی قهرمان زاده)

$$(2f-g)(x) = m$$

$$\xrightarrow{x=3} 2f(3) - g(3) = m$$

$$\Rightarrow 2 \times (6) - (-1) = m$$

$$= 12 + 1 = m \Rightarrow m = 13$$

$$h(x) = [m^2 + 1]x = [13^2 + 1] \times (-1) = [170] \times (-1) = -170$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۵ تا ۵۰)

۴- گزینه «۲»

(عارف بهرام‌نیا)

چون رابطه‌های زوج مرتبی f و g هر دو تابع هستند، لذا طبق تعریف:

$$f: \begin{cases} -n+1 = m^2 - 20 \Rightarrow n = 21 - m^2 \\ m+n=1 \Rightarrow m+21-m^2=1 \Rightarrow m^2-m-20=0 \\ \Rightarrow (m-5)(m+4)=0 \end{cases}$$

$$m = 5, -4 \xrightarrow{m \geq 0} m = 5, 5+n=1 \Rightarrow n = -4$$

۹- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمانه‌ای - قارج از کشور ۹۹)

ابتدا دامنه توابع f و g را می‌یابیم:

$$f = \{(5, 3), (1, 5), (3, 4), (6, 2)\} \rightarrow D_f = \{5, 1, 3, 6\}$$

$$g = \{(3, 2), (5, 6), (1, 2), (2, 1)\} \rightarrow D_g = \{3, 5, 1, 2\}$$

دامنه تابع $\frac{f+g}{f}$ برابر است با:

$$\frac{D_{f+g}}{f} = D_f \cap D_g - \{x \mid \underbrace{f(x)=0}_{\text{جوابی ندارد}}\} = \{5, 1, 3\}$$

تابع $\frac{f+g}{f}$ را تشکیل می‌دهیم:

$$\begin{aligned} \frac{f+g}{f} &= \left\{ \left(5, \frac{3+6}{3}\right), \left(1, \frac{5+2}{5}\right), \left(3, \frac{4+2}{4}\right) \right\} \\ &= \{(5, 3), (1, 1/4), (3, 1/5)\} \end{aligned}$$

برد تابع $\frac{f+g}{f}$ برابر است با:

$$R_{\frac{f+g}{f}} = \{3, 1/4, 1/5\}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه ۵۰)

۱۰- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

$$f(x) = \sqrt{x+3}, \quad g(x) = \frac{x+2}{x-4}$$

$$(f-g)(1) = f(1) - g(1) = \sqrt{1+3} - \frac{1+2}{1-4}$$

$$= \sqrt{4} - \frac{3}{-3} = 2 + 1 = 3$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه ۳۹)

ریاضی و آمار (۱)

۱۱- گزینه «۲»

(مفهم بهیرایی)

در بین متغیرهای داده شده موارد (ج) و (د) کمی نسبتی هستند. مورد (الف) کیفی اسمی و مورد (ب) کمی فاصله‌ای است.

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه ۸۰)

۱۲- گزینه «۳»

(رضا قانباتانی)

در موضوع بررسی توانایی گفتاری دانش‌آموزان از روش مصاحبه استفاده می‌کنیم، چون باید دانش‌آموز شفاهی صحبت کند، معلم مستقیم سؤال بپرسد و جواب بشنود و در موضوع بررسی کیفیت میوه‌ها روش مشاهده مناسب است، چون باید به باغ برویم و کیفیت میوه‌ها را بررسی کنیم.

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۷۶ و ۷۷)

۱۳- گزینه «۱»

(عباس مالکی)

از آن جهت که جامعه آماری مورد تحقیق، میانگین قد دانش‌آموزان دبیرستانی کل شهر تهران است و هیچ کدام کل دانش‌آموزان تهران را بررسی نکرده‌اند و هر دو نمونه‌گیری داشته‌اند، مشخصه عددی هر دو غیر ثابت و در حقیقت آماره، جامعه می‌باشد.

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه ۷۹)

۱۴- گزینه «۳»

(عباس مالکی)

ابتدا میانگین داده‌ها را حساب می‌کنیم:

$$\bar{x} = \frac{18+20-c+17+18+20+c+15}{6} = \frac{108}{6} = 18$$

$$\sigma^2 = \frac{(18-18)^2 + (20-c-18)^2 + (17-18)^2 + (18-18)^2}{6}$$

$$\frac{+(20+c-18)^2 + (15-18)^2}{6} = 6$$

$$\Rightarrow (2-c)^2 + (-1)^2 + (2+c)^2 + (-3)^2 = 36$$

$$\Rightarrow (2-c)^2 + (2+c)^2 + 10 = 36$$

$$4+c^2-4c+4+c^2+4c=26 \Rightarrow 2c^2+8=26$$

$$\Rightarrow 2c^2=18 \Rightarrow c^2=9$$

$$\Rightarrow \begin{cases} c_1=3 \\ c_2=-3 \end{cases} \text{ غقق} \Rightarrow c, 2c, c^2 \Rightarrow 3, 6, 9$$

$$\Rightarrow \bar{x} = \frac{3+6+9}{3} = 6$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۹ و ۹۰)

۱۵- گزینه «۱»

(احمد حسن زاده‌فرد)

وقتی واریانس داده‌ها صفر باشد، تمام داده‌ها با هم برابرند:

$$\begin{cases} m-1=5 \Rightarrow m=6 \\ 2n+1=5 \Rightarrow 2n=4 \Rightarrow n=2 \\ 7-m+4=5 \Rightarrow 11-m=5 \Rightarrow m=6 \end{cases}$$

$$$$

$$$$

$$mn=6 \times 2=12$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۹۰ تا ۹۲)

۱۶- گزینه «۱»

(هادی فولادی)

می‌دانیم عدد درج شده روی محصولات به صورت $\bar{x} \pm 2\sigma$ است. بنابراین در حالت اول میانگین برابر ۱۲۰ و انحراف معیار ۵ است (٪۹۶ قوطی‌ها دارای این جرم هستند).

حالا قرار است جرم دو برابر شود و سپس $10gr$ به آن‌ها اضافه شود، می‌دانیم میانگین نیز ۲ برابر شده و $10gr$ به آن‌ها اضافه می‌شود؛ یعنی میانگین جدید $2 \times 120 + 10$ می‌شود.

از جمع دو طرف تساوی‌های (۱) و (۲)، داریم:

$$(۱): b - a = 3/5$$

$$a + b = 11/5$$

$$\text{جمع: } 2b = 15 \Rightarrow b = 7/5, 7/5 - a = 3/5 \Rightarrow a = 4$$

بنابراین داده‌های قبل از میانه ۲/۵، ۴، ۵/۵ هستند. میانگین آن‌ها برابر است

$$\bar{x} = \frac{2/5 + 4 + 5/5}{3} = \frac{12}{3} = 4$$

با:

رابطه واریانس را می‌نویسیم:

$$\sigma^2 = \frac{(2/5 - 4)^2 + (4 - 4)^2 + (5/5 - 4)^2}{3}$$

$$\Rightarrow \sigma^2 = \frac{1/5^2 + 0 + 1/5^2}{3} = \frac{2/25 + 2/25}{3} = \frac{4/5}{3} = \frac{4}{15}$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه ۹۴)

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

۲۰- گزینه «۲»

اگر داده‌های ۴۸۱، ۴۵، ۴، ۳ را در عدد ۴ ضرب کنیم به داده‌های ۱۹۲۴، ۱۸۰، ۱۶، ۱۲ می‌رسیم. به همین ترتیب کافی است میانگین داده‌های اولیه را در عدد ۴ ضرب کنیم تا میانگین داده‌های جدید به دست آید.

$$4 \times 242 = 968 = (\text{میانگین داده‌های اولیه}) \times 4 = \text{میانگین داده‌های جدید}$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه ۸۶)

ریاضی و آمار (۳)

(اممرد زاکر زاده)

۲۱- گزینه «۱»

برای آنکه عدد سه رقمی مضرب ۵ باشند، باید رقم یکان صفر یا پنج باشد. پس:

$$\frac{4}{\text{صفر}} \times \frac{3}{\text{صفر}} \times \frac{1}{\text{صفر}} = 12$$

$$\frac{3}{\text{پنج}} \times \frac{3}{\text{پنج}} \times \frac{1}{\text{پنج}} = 9$$

$$\text{اصل جمع} \rightarrow 12 + 9 = 21$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۳)

(مهمم اسری)

۲۲- گزینه «۳»

در کل ۴+۷ یعنی ۱۱ تا مهره داریم. می‌خواهیم ۴ مهره از ۱۱ مهره انتخاب کنیم ولی باید ۱ مهره از آبی‌ها (۴ تا) و بقیه ۳ تا از ۷ مهره قرمز انتخاب شود. بنابراین داریم:

$$\binom{4}{1} \times \binom{7}{3} = 4 \times \frac{7!}{4! \times 3!} = 4 \times \frac{7 \times 6 \times 5}{3 \times 2 \times 1} = 140$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۸ تا ۱۱)

انحراف معیار فقط به ۲ برابر واکنش نشان می‌دهد و ۲ برابر می‌شود (اگر داده‌ها $\pm k$ شوند انحراف معیار تغییر نمی‌کند). بنابراین انحراف معیار جدید $2 \times 5 = 10$ می‌شود.

عدد درج شده روی قوطی‌های جدید باید به صورت 250 ± 20 شود.

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه ۹۲)

۱۷- گزینه «۱»

(مهمم بهیرایی)

از آن جایی که مد منحصراً به فرد است، پس داده $x+3$ با یکی از داده‌ها برابر است و مد برابر $x+3$ است. از طرفی مد و میانگین برابرند، پس میانگین داده‌ها برابر $x+3$ است. در نتیجه:

$$\bar{x} = x + 3 = \frac{x + 3 + 40 + 39 + 27 + 18 + 11}{6}$$

$$\Rightarrow 6x + 18 = 138 + x \Rightarrow 5x = 120 \Rightarrow x = 24$$

داده‌های جدید: ۴۲، ۲۴، ۷۱، ۴۸، ۵۲، ۳۱

داده‌ها را از کوچک به بزرگ مرتب می‌کنیم:

$$24, 31, 42, 48, 52, 71$$

$$\text{میان} = \frac{42 + 48}{2} = 45$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۵ تا ۸۸)

۱۸- گزینه «۴»

(مهمم همیری)

داده‌های سری A فاقد داده دور افتاده (پرت) است، بنابراین از شاخص‌های میانگین و انحراف معیار استفاده می‌کنیم، اما در داده‌های سری B، داده‌های دور افتاده (پرت) وجود دارند و پراکندگی زیاد است، بنابراین شاخص‌های میانه و دامنه میان چارکی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۹۳ تا ۹۵)

۱۹- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

داده‌ها مرتب شده هستند، ابتدا چارک‌ها را پیدا می‌کنیم.

$$2/5, [a], 5/5, [6], 7, [b], 9/5$$

$$Q_1 = a \quad \text{میان} \quad Q_3 = b$$

طبق فرض سؤال، دامنه میان چارکی برابر $3/5$ است، پس:

$$IQR = Q_3 - Q_1 = 3/5 \Rightarrow b - a = 3/5 \quad (۱)$$

همچنین میانگین داده‌ها با میانه یعنی ۶ برابر است، پس:

$$\frac{2/5 + a + 5/5 + 6 + 7 + b + 9/5}{7} = 6 \Rightarrow 30/5 + a + b = 42$$

$$\Rightarrow a + b = 11/5 \quad (۲)$$

$$n(A) = \frac{3}{3} \times \frac{2}{2} \times \frac{2}{2} \times \frac{1}{1} \times \frac{1}{1} = 12$$

$$\Rightarrow P(A) = \frac{12}{120} = \frac{1}{10}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۶ تا ۲۷)

۲۷- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمان‌های - کنکور قاج از کشور ۹۷)

می‌خواهیم یک عدد از میان اعداد طبیعی ۱ تا ۲۰ انتخاب کنیم که این کار به $n(S) = 20$ حالت امکان‌پذیر است. پیشامد مطلوب که آن را A نامیده‌ایم، آن است که عدد انتخاب شده زوج باشد ولی بر ۳ بخش‌پذیر نباشد، یعنی:

$$A = \{2, 4, 8, 10, 14, 16, 20\} \Rightarrow n(A) = 7$$

پس:

$$P(A) = \frac{n(A)}{n(S)} = \frac{7}{20} = 0.35$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲۵ تا ۲۷)

۲۸- گزینه «۱»

تعداد کل حالت‌ها ۶ است. $\{1, 2, 3, 4, 5, 6\}$

تعداد اعداد اول از ۱ تا ۶ سه عدد $\{2, 3, 5\}$ است.

$$P(A) = \frac{3}{6} = \frac{1}{2}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۹ تا ۲۷، مشابه امتحان نهایی فروردین ۱۴۰۱)

۲۹- گزینه «۴»

(عباس مالکی)

۵ عدد $\rightarrow 1, 4, 6, 8, 9$ اعداد غیر اول

۴ عدد $\rightarrow 2, 3, 5, 7$ اعداد اول

$$\text{تعداد حالات مطلوب} = \frac{5}{5} \times \frac{4}{4} \times \frac{3}{3} \times \frac{2}{2} \times \frac{1}{1} = 4! \times 5!$$

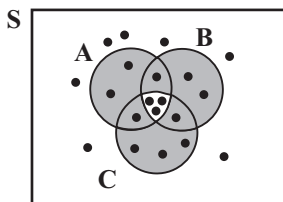
$$\left. \begin{aligned} n(A) &= 4! \times 5! \\ n(S) &= 9! \end{aligned} \right\} \Rightarrow P(A) = \frac{4! \times 5!}{9!} = \frac{4 \times 3 \times 2 \times 1 \times 5!}{9 \times 8 \times 7 \times 6 \times 5!} = \frac{1}{126}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۹ تا ۲۷)

۳۰- گزینه «۴»

(امیر زراندوز)

برای تعیین پیشامد $A-B$ باید اشتراک A و B را از A حذف کنیم هر چه از A باقی بماند جواب است برای $B-C$ و $C-A$ هم به‌طور مشابه عمل می‌کنیم. لذا پیشامد زیر به‌دست می‌آید:



تعداد اعضای داخل قسمت‌های هاشور خورده (همان تعداد نقاط) برابر با ۱۰ می‌باشد.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۹)

(معمد پیریایی)

۲۳- گزینه «۲»

$$n(S) = 2^4 = 16$$

$A = \{(د, د, د, پ), (د, د, پ, د), (د, پ, د, د), (پ, د, د, د), (د, د, د, د), (د, د, پ, پ), (د, پ, د, پ), (پ, د, د, پ)\}$

$$\Rightarrow P(A) = \frac{6}{16} = \frac{3}{8}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۶ تا ۲۷)

۲۴- گزینه «۴»

(علی قورمان‌زاده)

با توجه به سؤال و قرارگیری بازیکنان داریم:



$$n(A) = 3! \times 2! \times \binom{5}{3} \times 3! = 6 \times 2 \times 10 \times 6$$

$$n(S) = 7!$$

$$P(A) = \frac{n(A)}{n(S)} = \frac{6 \times 2 \times 10 \times 6}{7!} = \frac{6 \times 2 \times 10 \times 6}{7 \times 6 \times 5 \times 4 \times 3 \times 2 \times 1} = \frac{1}{7}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۶ تا ۲۱)

۲۵- گزینه «۱»

(هادی غولاری)

روش اول: مسأله را در ۳ حالت در نظر می‌گیریم.

الف) هیچ کدام از اعداد ۱ و ۲ انتخاب نشوند.

$$\binom{4}{3} = 4 \text{ : انتخاب ۳ عضو از بین } 4, 6, 8, 9$$

ب) عدد ۱ انتخاب شود اما ۲ انتخاب نشود:

$$\binom{4}{2} = 6 \text{ : انتخاب ۲ عدد از بین } 4, 6, 8, 9$$

پ) عدد ۲ انتخاب شود اما ۱ انتخاب نشود.

$$\binom{4}{2} = 6 \text{ : انتخاب ۲ عدد از بین } 4, 6, 8, 9$$

جواب نهایی: $4 + 6 + 6 = 16$

روش دوم: از بین کل زیرمجموعه‌های ۳ عضوی، زیرمجموعه‌های ۳ عضوی که شامل ۱ و ۲ باشند را کم می‌کنیم.

$$\binom{6}{3} - \binom{4}{1} = 20 - 4 = 16$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۸ تا ۱۱)

۲۶- گزینه «۱»

(رضا قانایانی)

۵ پرچم را به ۵! می‌توان کنار هم قرار داد. پس $n(S) = 5! = 120$

عددهای اول: $\{5, 3, 2\}$

عددهای غیر اول: $\{4, 1\}$

علوم و فنون ادبی (۲)

۳۱- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

عبارت چهارم صحیح است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: جریان شعری باباغانی، به شیوه حافظ و سعدی شباهت داشت.
گزینه «۲»: بعد از ظهور مولانا، سعدی و حافظ، جایی برای رشد ادبیات فارسی باقی نماند.
گزینه «۳»: آشننگی اوضاع ادبیات در این قرن، ناشی از اوضاع سیاسی و اجتماعی بود نه برعکس.

(علوم و فنون ادبی (۲)، تاریخ ادبیات، صفحه ۵۸)

۳۲- گزینه «۳»

(مفسر اصفری)

- محتشم کاشانی در سرودن شعر مذهبی معروف و ترکیب‌بند عاشورایی او زبازد است.
- وحشی بافقی از شاعران قرن دهم است که سبک شعرش حد واسط سبک دوره عراقی و سبک هندی است و واقع‌گرایی شاخصه اصلی آن است.
- بیدل دهلوی را به سبب سرودن غزل‌های خیال‌انگیز و به کار بردن مضمون‌های بدیع و گاه دور از ذهن می‌شناسیم. از ویژگی‌های عمده شعر بیدل، مضمون‌های پیچیده و استعاره‌های رنگین، خیال‌انگیز و سرشار از ابهام و تخیل‌های رمزآمیز شاعرانه است.
- کلیم کاشانی در ابداع معانی و خیال‌های رنگین مشهور است. ضرب‌المثل‌ها و الفاظ محاوره که زبان غزل این دوره را به افق خیال عامه نزدیک کرده، سخن او را برجسته ساخته است. وی با به کار بردن مضمون‌های ابداعی فراوان «خلاق‌المعانی ثانی» لقب گرفت.

(علوم و فنون ادبی (۲)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

۳۳- گزینه «۲»

(سیر علیرضا احمري)

استعاره‌های آشکار ابیات:

الف: خسرو: خورشید / نیلی‌حصار: آسمان / لشگر رومی: سپیدی صبح / زنگبار: سیاهی شب
ب: ماه: صورت
معنای بیت: صورت هم‌چو ماهش که نمایی مثل خورشید دارد از پشت پرده زلفش مثل آفتابی است که پشت ابر مانده است.
ج: افعی: مو / شکر: لب

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان)

۳۴- گزینه «۴»

(سیر علیرضا احمري)

«نگار» استعاره مصرحه از یار/ تشبیهات: ۱- نگار مهوش ۲- خورشیدرو (تشبیه درون‌واژه‌ای)

تشریح سایر ابیات:

گزینه «۱»: «عقیق جان‌فزایت» استعاره مصرحه از لب معشوق و «آب کوثر» (اعتبار و آبروی چشمه کوثر) اضافه استعاری و استعاره مکنیه/ تشبیه مرجح لب یار به چشمه کوثر (لب یار باعث رفتن آبروی چشمه کوثر می‌شود، یعنی لب یار در جان‌بخشی و جان‌فزایی مانند چشمه کوثر است؛ بلکه هم برتر از آن)
گزینه «۲»: «آتش دل» استعاره مصرحه از عشق و «آب آتش‌فام» استعاره مصرحه از شراب / تشبیه: آب آتش‌فام

توضیح نکته درسی:

واژه «فام» می‌تواند دو معنا داشته باشد. از یک سو معنای «رنگ» (همان‌طور که در بیت گزینه «۲» آمده است «آب آتش‌فام» به معنای آب آتش رنگ یا همان سرخ است که استعاره از شراب است و «فام»، وجه شبه است و از سوی دیگر معنای «مانند» می‌دهد که در این صورت ادات تشبیه است. (مانند سؤال ۳۰ کنکور ۱۴۰۲ داخل کشور)
گزینه «۳»: استعاره‌ها: ۱- دود جگر (اضافه استعاری) ۲- شمع عالم‌تاب (استعاره مصرحه از خورشید) / مهر رو (اضافه تشبیهی)

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان)

۳۵- گزینه «۱»

(سیر علیرضا احمري)

بررسی ابیات:

بیت «الف»: «مه» استعاره از یار زیبارو و تشبیه مرجح چهره یار بر شمس و قمر
بیت «ب»: «سنبل» استعاره از موهای یار و تشبیه مرجح زلف به شام
بیت «ج»: «خنجر خون‌ریز» استعاره از مژگان یا حتی نگاه‌های نافذ یار و «ترک چشم» اضافه تشبیهی
بیت «د»: فاقد تشبیه و «دیو» استعاره از عقل و «آب» استعاره از عشق
بیت «ه»: فاقد تشبیه و استعاره

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان)

۳۶- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

پایه‌های	عَجَبَ نِیس	ت از گل	کَ خندد	ب سَر وی
آوایی	کَ در این	چَ من پا	ی در گل	ن شید ند
وزن‌واژه	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن
نشانه‌های	-- U	-- U	-- U	-- U
هجایی				

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر)

۳۷- گزینه ۳»

(مبتهی فرهاری)

وزن بیت سوم درست است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱» مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

گزینه ۲» مستفععلن مستفععلن مستفععلن مستفععلن

گزینه ۴» مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر)

۳۸- گزینه ۲»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

مصراع گزینه ۲» در وزن واژه «فعلاتن فعلاتن فعلتن فعلن» سروده شده است.

پایه‌های آوایی	هم آ را	م گرفتند	دش ب ز نی	م گذشت
وزن‌واژه	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلن

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر)

۳۹- گزینه ۴»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

مفهوم مشترک ابیات گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳» تا جهان هست عشق و محبت هم خواهد بود؛ هر چند برخی از انسان‌ها برونند و برخی دیگر جای آن‌ها را بگیرند.

مفهوم بیت گزینه ۴» عشق بود که باعث شد جهان هستی به وجود بیاید و شور و غوغایی در آن برپا کرد.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهوم، صفحه ۷۰)

۴۰- گزینه ۴»

(عزیز الیاسی‌پور)

گزینه ۴» درباره فداکاری در راه عشق و اوج عاشقی است، اما گزینه‌های دیگر درباره لزوم تحمل سختی‌های عشق و عدم شکایت در تحمل این دشواری‌ها هستند.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهوم، صفحه ۷۷)

علوم و فنون ادبی (۱)

۴۱- گزینه ۳»

(مبین ممردی تراکمه)

ویژگی «تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معنی» مربوط به نثر دورهٔ سلامانی است. در نثر قرن پنجم و ششم چنین ویژگی‌ای دیده نمی‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه ۱۸۵)

۴۲- گزینه ۳»

(عزیز الیاسی‌پور)

مفهوم بیت گزینه ۳» توصیه به شادی و خوش‌یاشی است که در چهارچوب سبک خراسانی می‌گنجد و جزو ویژگی‌های فکری اشعار قرن‌های پنجم و ششم نیست.

ویژگی‌های فکری شعر قرن‌های پنجم و ششم در گزینه‌های دیگر عبارتند از:

گزینه ۱» رواج هجو

گزینه ۲» فاصله‌گرفتن غزل از عشق زمینی

گزینه ۴» اعتقاد به قضا و قدر

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه ۱۸۵)

۴۳- گزینه ۳»

(سید علیرضا احمدی)

بررسی ابیات:

گزینه ۱» جناس ناهمسان: «سر» و «بر» / جناس همسان: «باری» دو بار تکرار شده است. یک مرتبه در معنای «بار و محموله» و یک مرتبه در معنای «به هر حال».

گزینه ۲» جناس ناهمسان: «کمان» و «کمین» / جناس همسان: «جهان» دو بار تکرار شده است. یک مرتبه در معنای «جهنده» و یک مرتبه در معنای «دنیا».

گزینه ۳» جناس ناهمسان: - / جناس همسان: -

نکته: در جناس اجازه نداریم که کلمات مرکب را جداسازی کنیم و بخشی از آن‌ها را یکی از طرفین جناس قرار دهیم. به همین علت واژه‌های «زاد» و «رادمردان» جناس ناقص ندارند و واژه «زاد» که با معنای متفاوت تکرار شده

نیز فاقد جناس تام است. (رجوع کنید به سؤال ۴۵ کنکور ۱۴۰۲)

گزینه ۴» جناس ناهمسان: «با» و «صبا» / جناس همسان: «بو» دو بار تکرار شده است. یک مرتبه در معنای «به امید این که ...» و یک مرتبه در معنای «رایحه».

(علوم و فنون ادبی (۱)، برید)

۴۴- گزینه ۲»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱» «مهر و مهر» جناس ناقص حرکتی دارند.

گزینه ۳» «کار و کارد» جناس ناقص افزایشی دارند.

گزینه ۴» «بشارت و اشارت» جناس ناقص اختلافی دارند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، برید)

۴۵- گزینه ۲»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

شب: آرایه تکرار دارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱» گور (اول): گورخر، گور (دوم): قبر

گزینه ۳» داد (اول): اسم به معنای حق، داد (دوم): فعل

گزینه ۴» صورت (اول): تصویر و نقش، صورت (دوم): چهره

(علوم و فنون ادبی (۱)، برید)

۴۶- گزینه «۴»

(سیر علیرضا امیری)

با نگاهی گذرا به گزینه «۴» متوجه می‌شویم که در این بیت، قافیه اول در کلمات «گویا» و «شهلا» آمده است (قاعده ۱) و قافیه دوم در کلمات «شکر» و «عبر» (قاعده ۲) پس قافیه‌های این بیت از لحاظ قاعده متفاوت‌اند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: قافیه اول در کلمات «جان» و «نادان» (قاعده ۲) و قافیه دوم در کلمات «نبود» و «نبود» آمده است. توجه داشته باشید فعل «نبود» ردیف نیست، چرا که اولی در معنای «وجود ندارد» در معنای یک فعل غیراسنادی آمده است و دیگری معنای اسنادی (نمی‌باشد) می‌دهد. معنای مصراع اول: در عشق دل و عقل و تن و جان وجود ندارد.

گزینه «۲»: قافیه اول در کلمات «یار» و «کار» (قاعده ۲) و قافیه دوم در کلمات «بسیار» و «پیکار» آمده است.

گزینه «۳»: قافیه اول در کلمات «هجران» و «زندان» (قاعده ۲) و قافیه دوم در کلمات «داری» و «داری» آمده است. توجه داشته باشید فعل «داری» ردیف نیست، چرا که اولی در معنای دارا شدن در ساختار یک فعل مفعول‌خواه آمده است و دیگری معنای گردانیدن (کردن = ساختن) می‌دهد و مفعول و مسند می‌خواهد. معنای مصراع دوم: آفاق و آسمان‌ها را در چشم من همچون زندانی می‌کنی.

(علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه)

۴۷- گزینه «۳»

(سیر علیرضا امیری)

با توجه به تفاوت معنایی واژه «نیستی» در مصراع اول و دوم می‌توان آن را جناس تام و قافیه در نظر گرفت.

«نیستی» (اول) فعل اسنادی است و «نیستی» (دوم) اسم مصدر است (نیست‌بودن = نابودبودن)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: شکل نوشتار حرف روی کلمات قافیه یکسان نیست (غ / ق) و قافیه معیوب است.

گزینه «۲»: حروف اصلی مشابه نیستند و قافیه معیوب است. (رَق / لَق)
گزینه «۴»: پس از حذف حروف الحاقی (ات: نشانه جمع) کلمات قافیه (مشکل و ممکن) قافیه نمی‌سازند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه)

۴۸- گزینه «۲»

(سیر علیرضا امیری)

بررسی ابیات:

بیت «الف»: «جای» و «رای» فاقد حروف الحاقی‌اند؛ زیرا صامت «ی» در واژه «رای» برای خود کلمه است و بعداً اضافه نشده است. بنابراین حروف اصلی قافیه «ای» و قاعده قافیه، قاعده ۲ است.

بیت «ب»: «برو» و «نو» بر مبنای قاعده ۲، هم‌قافیه هستند. این کلمات مختم به مصوت کوتاه «و» و صامت «و» هستند و صدای «OW» می‌دهند.

بیت «ج»: «پای» در مصراع اول، به شکل کهن نوشته شده است و همان عبارت «به پای» است، ولی در مصراع دوم واژه «پای» در معنای «پاینده باش» آمده است. از این رو می‌توانیم این دو واژه را بر مبنای قاعده ۱ هم‌قافیه بدانیم و صامت «ی» را حرف الحاقی در نظر بگیریم.

بیت «د»: «قفا» و «لا» بر مبنای قاعده ۱، هم‌قافیه هستند و صورت مخفف «است» ردیف این بیت تلقی می‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه)

۴۹- گزینه «۴»

(سیر علیرضا امیری)

در بیت صورت سؤال و بیت گزینه «۴» شاعر از انتظار طولانی خود برای وصال و بهره‌مندشدن از وصال یار می‌گوید.

تشریح گزینه‌های دیگر:

بیت گزینه «۱»: بی‌وفایی یار و بی‌خبری عاشق از یار

بیت گزینه «۲»: ناامیدی عاشق از فرا رسیدن روز وصال

بیت گزینه «۳»: ارزش برخی پدیده‌ها پس از گذشتن زمان بهره آن

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۸۶)

۵۰- گزینه «۲»

(حسن اصحابی)

شاعر در بیت صورت سؤال می‌گوید که حتی اگر ماه باشی و آسمان سپر تو باشد، باز هم زمانه عمر تو را پایمال خواهد کرد و عمرت تمام خواهد شد. بنابراین مفهوم اصلی بیت ناپایداری دنیا است. (پی‌سپر: پای‌سپار، پایمال‌کننده، لگدکوب‌کننده)

مفاهیم ابیات گزینه‌ها به شرح زیر است:

گزینه «۱»: نتیجه و ثمر کار نیک، حتماً نیکی خواهد بود.

گزینه «۲»: ناپایداری تخت و بخت دنیا (هم‌مفهوم با بیت صورت سؤال)

گزینه «۳»: ارجحیت آزار و اذیت معشوق بر راحتی

گزینه «۴»: توصیف معشوق و شکوه و ابهت او

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه‌های ۸۹، ۹۰، ۹۲ و ۱۰۰)

علوم و فنون ادبی (۳)

۵۱- گزینه ۱

(رضا نوروزیگی)
گروهی از شاعران دوره بازگشت به قصیده سرایی به سبک شاعران خراسانی و عهد سلجوقی پرداختند؛ افرادی مانند صبا کاشانی، قالی شیرازی و سروش اصفهانی از این گروه‌اند. گروه دیگر غزل سرایی به سبک حافظ، سعدی و دیگر شاعران سبک عراقی را پیش گرفتند. شاعرانی مانند نشاط اصفهانی، فروغی بسطامی و مجمر اصفهانی از این گروه‌اند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه ۱۱۳)

۵۲- گزینه ۳

(مجتبی فرهادی)
ادیب‌الممالک فراهانی سردبیری «روزنامه مجلس» را بر عهده داشت.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

۵۳- گزینه ۴

(کتاب آبی پیمانه‌ای)
- دو مجله «دانشکده» و «نوبهار» با مدیریت ملک‌الشعرای بهار به عرصه ظهور رسیدند.

- روزنامه «صور اسرافیل» با مدیریت میرزا جهانگیرخان صور اسرافیل منتشر می‌شد.

- مجله «بهار» نشریه‌ای ادبی محسوب می‌شد که در سال‌های مشروطه به وسیله میرزا یوسف‌خان اعتصامی آشتیانی منتشر می‌شد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۸ و ۱۹)

۵۴- گزینه ۴

(کتاب آبی پیمانه‌ای)
موارد «الف» و «ت» نادرست هستند:

الف) رمان نویسی به شیوه جدید در ادبیات کلاسیک فارسی سابقه ندارد و این نوع ادبی محصول یک قرن گذشته است.

ت) محمدباقر میرزا خسروی با رمان «شمس و طغرا» و میرزا حسن خان بدیع با دو اثر «شمس‌الدین و قمر» و «داستان باستان» از رمان‌نویسان این عهد هستند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه ۱۹)

۵۵- گزینه ۳

(مجتبی فرهادی)
بتخانه گلزار: تشبیه (اضافه تشبیهی) / اشاره غیرمستقیم به داستان حضرت ابراهیم و آزر: تلمیح / فصل، خزان، گلزار، «ابراهیم، بتخانه»: مراعات نظیر (تناسب)

(علوم و فنون ادبی (۳)، بیان و بدیع)

۵۶- گزینه ۴

(مجتبی فرهادی)
این گزینه فاقد استعاره است. / مراعات نظیر: دست و پا ترکیب «پای گریز» اضافه اقترانی است، به‌خاطر اینکه «پا» و «گریز» با هم مقارنت دارند و اضافه استعاری نیست، زیرا در آن ساختار تشبیهی دیده نمی‌شود.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: «۱»: مراعات نظیر (تناسب): «طره و کاکل» / تشبیه: موج آشفتگی
گزینه ۲: «۲»: مجاز: «حرف» مجاز از سخن / کنایه: «لب بستن» و «بی زبان شدن» کنایه از سکوت کردن

گزینه ۳: «۳»: تشبیه: باغ به سبب روییدن بنفشه‌های فراوان گویی چهره حضرت یوسف (ع) است که با سیلی برادرانش کبودرنگ شده است. / تلمیح: اشاره به داستان حضرت یوسف (ع)

(علوم و فنون ادبی (۳)، بیان و بدیع)

۵۷- گزینه ۲

(طاهره موسی‌زاده‌مقدم)
وزن بیت صورت سؤال و بیت گزینه ۲، «فاعلاتن مفاعیلن فعلن» می‌باشد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: «۱»: وزن این بیت «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» است.

گزینه ۳: «۳»: وزن بیت «مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن» است.

گزینه ۴: «۴»: وزن بیت «مفعول مفاعیلن فاعلن» است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر)

۵۸- گزینه ۴

(مجتبی فرهادی)
وزن بیت گزینه ۴ از پایه‌های آوایی همسان دولختی است: مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: «۱»: مفعول فاعلاتن مفاعیلن فاعلن

گزینه ۲: «۲»: مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فع

گزینه ۳: «۳»: مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعلن

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر)

۵۹- گزینه ۲

(مفسن اصغری)
مفهوم مشترک ابیات «الف، د»:
امید بازگشت به سوی مخاطب و معشوق برای دل رنجیده و رمیده وجود ندارد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

بیت «ب»: همه کس طالب یار و زیبایی او هستند.

بیت «ج»: گریزی از عشق نیست.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحه ۱۷)

۶۰- گزینه ۱

(مفسن اصغری)
مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینه مرتبط:
تصور وجود آرامش و آسایش و شادی در جهان، از کوتاه‌اندیشی است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۲: «۲»: دل عاشق، همیشه جوان و تازه می‌ماند و پیر نمی‌شود.

گزینه ۳: «۳»: شکوه شاعر از روزگار به‌دلیل دشواری در به دست آوردن رزق و روزی

گزینه ۴: «۴»: بیان بی‌وفایی روزگار و توصیه شاعر به دل نبستن به آن

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحه ۳۶)

جامعه‌شناسی (۲)

۶۱- گزینه «۴»

(سید آرش مرتضایی فر)

- نخستین بحران اقتصادی در سال ۱۸۲۰ م در انگلستان به وجود آمد اما مهم‌ترین آنها در فاصله بین دو جنگ جهانی یعنی سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ اتفاق افتاد.

- از دیدگاه کنت، جنگ در فرهنگ و جامعه جدید غربی، امری ذاتی نیست بلکه امری عارضی و احتمالی است.

- در سال ۱۹۸۹ م سازمان ملل با طرح پیمان باسل تلاش کرد تا از انتقال زباله‌های کشورهای صنعتی به کشورهای فقیر جلوگیری کند.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۸۴، ۹۲ و ۹۶)

۶۲- گزینه «۱»

(یاسین ساعری)

- در جنگ جهانی اول برای نخستین بار از سلاح‌های شیمیایی و در جنگ جهانی دوم برای اولین بار از بمب اتم استفاده شد.

- بحران معرفتی جدید هنگامی آغاز شد که محدودیت‌های علمی دانش تجربی و همچنین وابستگی آن به معرفت‌های غیرتجربی و غیرحسی آشکار شد.

- گریز و رویگردانی از سکولاریسم در جوامع غربی پیامدهای اجتماعی مختلفی داشت از جمله اینکه بازار معنویت‌های کاذب و دروغین را رونق بخشد؛ خرافه‌پرستی، شیطان‌پرستی، انواع بازسازی‌شده ادیان و عرفان‌های شرقی و سرخ‌پوستی، نمونه‌هایی از این معنویت‌های دروغین هستند.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۸۴، ۹۹، ۱۰۱ و ۱۰۲)

۶۳- گزینه «۳»

(سید آرش مرتضایی فر)

بحران اقتصادی و چالش فقر و غنا هر دو هویت اقتصادی دارند ولی از جهاتی با یکدیگر متفاوت‌اند. چالش فقر و غنا چالشی همیشگی است ولی بحران اقتصادی اغلب دوره‌ای و مقطعی است. همچنین آسیب‌های مربوط به فقر و غنا همواره متوجه قشرهای ضعیف و فقیر جامعه است ولی آسیب‌های مربوط به بحران اقتصادی تمامی جامعه را در بر می‌گیرد. البته سرمایه‌داران با وجود آسیب‌هایی که می‌بینند با استفاده از ابزارهایی که دارند، فشارهای ناشی از بحران اقتصادی را به اقشار ضعیف و تولیدکنندگان خرد انتقال می‌دهند؛ به همین دلیل بحران اقتصادی اغلب با چالش فقر و غنا پیوند می‌خورد و بر دامنه آن افزوده می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۲ و ۹۳)

۶۴- گزینه «۲»

تشریح عبارات نادرست:

- چالش‌های جهانی اغلب پایان نمی‌یابند و با بروز چالش‌های جدید چالش‌های پیشین نیز همچنان باقی خواهند ماند.
- علت این چالش‌ها درونی است نه بیرونی بنابراین فرهنگ غرب نمی‌تواند آن را به دیگران نسبت دهد.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه ۹۸)

۶۵- گزینه «۳»

تشریح عبارات نادرست:

- جنگ ویتنام، جهنمی‌ترین جنگ قرن بیستم نام گرفت.
- از نظر هانتینگتون، در جنگ تمدن‌ها، دولت - ملت‌ها بازیگران اصلی صحنه روابط بین‌المللی نیستند.

- در جنگ تمدن‌ها، فرهنگ اسلامی، بزرگ‌ترین تهدید برای غرب است.
- دو اصطلاح استعمارگر و استعمار زده را کسانی به کار می‌برند که معتقدند مشکل کشورهای فقیر نه فقط ضعف اقتصادی، بلکه خودباختگی فرهنگی آنهاست.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۸۵ تا ۸۹)

جامعه‌شناسی (۱)

۶۶- گزینه «۱»

(رانیا امیری)

بررسی موارد:

- گاهی تعارض فرهنگی یا همان شیوه زندگی ناسازگار با عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی تداوم می‌یابد و جهان اجتماعی نمی‌تواند کنش‌های اجتماعی را براساس فرهنگ خود سامان دهد. این وضعیت می‌تواند به «تزلزل فرهنگی» منجر شود.

- بحران هویت فرهنگی در جایی به وجود می‌آید که جهان اجتماعی، توان حفظ و دفاع از عقاید و ارزش‌های اجتماعی خود را نداشته باشد.
- جهان اجتماعی که متناسب با نیازهای معنوی و روحی افراد عمل نکند، به پرسش‌های آنها درباره معنای زندگی و مرگ پاسخ ندهد، از این پرسش‌ها غفلت کند یا به پوچ انگاری برسد، نشاط زندگی را از دست می‌دهد و با انواع مختلف آسیب‌ها مانند یأس، ناامیدی و خودکشی روبه‌رو می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۵ تا ۹۷)

۶۷- گزینه «۳»

(ریحانه امینی)

بسیاری از فرهنگ‌ها مانند مصر و ایران، در تعامل با جهان اسلام عقاید و ارزش‌های توحیدی آن را پذیرفتند و به آن ملحق شدند.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۱۰۱)

روان‌شناسی

۷۱- گزینه «۴»

(مفهم صبیبی)

از منظر علم روان‌شناسی، به‌کارگیری اصطلاحاتی مانند تفکر بدون آگاهی یا تفکر ناخودآگاه نادرست است.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه ۱۱۴)

۷۲- گزینه «۲»

(مفهم صبیبی)

در متن کتاب درسی تأکید شده است که هدف تمرین‌های آموزشی، تنها حل یک مسئله خاص نیست؛ بلکه فرد با حل مسئله به اصول و قوانین کلی دست پیدا می‌کند که می‌تواند آن‌ها را در شرایط و موقعیت‌های جدید نیز به کار ببرد. به همین دلیل، یادگیری حاصل از حل مسئله نسبت به سایر انواع یادگیری قابل تعمیم است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: نادرست است؛ زیرا توانمندی‌های افراد معمولاً محدود است و شناخت این محدودیت‌ها اهمیت دارد.

گزینه «۳»: نادرست است؛ کتاب درسی چنین ادعایی دربارهٔ یکسان‌بودن راه‌حل همهٔ مسائل ندارد.

گزینه «۴»: نادرست است؛ برعکس، محدودیت‌های فرد باید شناخته شوند تا راه‌حل‌های منطقی انتخاب شوند.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه‌های ۱۱۶ و ۱۱۷)

۷۳- گزینه «۳»

(مفهم رضا شریفی)

تشریح موقعیت:

افزایش انگیزهٔ افراد به دلایل مختلفی از جمله عدم تضمین دسترسی به هدف، مسئله‌ای خوب تعریف نشده است.

شرکت در مرحلهٔ انتخاب راه‌حل جایگزین قرار دارد، چون بیان شده است که بعد از ارزیابی نتیجهٔ کاهش ساعت کاری (راه‌حل اولیه) تصمیم به افزایش حقوق می‌گیرد و به این معناست که راه‌حل اول کارساز نبوده است و به دنبال راه‌حل جایگزین است.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه‌های ۱۱۷ تا ۱۲۰)

۷۴- گزینه «۳»

(هاثا احمدزاده)

به روش‌های حل مسئله که بدون دلیل و مبتنی بر نظر و احساس شخصی باشد، روش‌های اکتشافی می‌گویند. از آنجایی که روش‌های تحلیلی معمولاً زمانبر هستند، گاهی به دلیل محدودیت زمانی، برخی از افراد تمایل دارند از روش‌های اکتشافی حل مسئله استفاده کنند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: در مسئلهٔ گره‌زدن دو طناب، اینکه بسیاری از افراد قادر به حل آن نیستند به این دلیل است که نمی‌توانند از انبردست به‌عنوان وزنهٔ پاندول استفاده کنند و تحت تأثیر تجربهٔ گذشته بر این باورند که از انبردست فقط در کارهای فنی می‌توان استفاده کرد. مسئلهٔ نه نقطه بر نوع نگاه به مسئله تأکید دارد؛ در این مسئله اگر زاویهٔ دید تغییر کند بهتر می‌توان به حل مسئله دست یافت.

۶۸- گزینه «۳»

(سینا غلامی)

وکیل شدن یک کارگر، مدیر شدن یک معلم و تغییر بخش یک کارمند به ترتیب تحرک اجتماعی صعودی، صعودی و افقی است.

ج) مسدود بودن راه ارتقا و تحرک اجتماعی صعودی را انسداد اجتماعی می‌گویند. باز بودن راه تحرک اجتماعی صعودی به معنای امکان دسترسی افراد محروم و کمتر برخوردار جامعه به موقعیت‌های اجتماعی بالاتر است. انسداد اجتماعی بیشتر در جوامعی وجود دارد که موقعیت اجتماعی افراد مبتنی بر ویژگی‌های انتسابی مانند وراثت، نژاد و... تعیین می‌شود؛ ولی در بسیاری از جوامع که مبتنی بر ویژگی‌های اکتسابی هستند نیز شرایط به گونه‌ای است که در عمل، راه تحرک اجتماعی بر محرومان بسته است.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۸۷ و ۸۸)

۶۹- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمان‌های - کنکور سراسری ۱۴۰۲ - نوبت دوم تیرماه)

- اگر جهان اجتماعی در تعامل با جهان‌های دیگر، بر عقاید و ارزش‌های خود پافشاری نکند، داد و ستد فرهنگی به لایه‌های عمیق آن سرایت می‌کند و در صورتی که به مرور زمان، به عقاید و آرمان‌های خود پشت کند، دچار تحولات هویتی می‌شود.

- اگر اعضای جهان اجتماعی مبهوت و مقهور جهان اجتماعی دیگر شوند و در نتیجه، حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست بدهند، دچار خودباختگی فرهنگی می‌شوند.

- اگر جهان اجتماعی، فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند، دچار ازخودبیگانگی تاریخی می‌شود. جوامع خودباخته‌ای که در مواجهه با فرهنگ دیگر، هویت خود را از یاد می‌برند، به این معنای ازخودبیگانگی گرفتار می‌شوند.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۱۰۱، ۱۰۲ و ۱۰۶)

۷۰- گزینه «۲»

(سیر آرش مرتضایی فر)

- مادامی که هویت اجتماعی افراد در چارچوب عقاید و ارزش‌های اساسی جامعه شکل می‌گیرد تغییرات هویتی افراد و گروه‌ها با هویت جهان اجتماعی سازگار است و مورد تشویق و تأیید جامعه قرار می‌گیرد.

- جوامع خودباخته به ازخودبیگانگی تاریخی گرفتار می‌شوند.

- بسیاری از متفکران شکل‌گیری دوران پسامدرن را تحول هویت جهان متجدد می‌دانند و برخی آن را تغییری می‌دانند که درون جهان متجدد اتفاق افتاده و پذیرفته شده است.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۰، ۹۱، ۹۸ و ۱۰۶)

۷۸- گزینه «۴»

(معمد عرفان فراهاری)

«الف»: سبک تصمیم‌گیری محمد و ضرب‌المثل بیان‌شده از نوع «اجتنابی» است و هر روز عملی کردن تصمیم خود را به روز دیگری محول می‌کند و در نتیجه زمان را از دست می‌دهد و مشکلش بیشتر می‌شود.

«د»: سبک تصمیم‌گیری فاطمه از نوع «وابسته» است و به جای فکر کردن از دیگران کورکورانه اطاعت می‌کند و معنی بیت بیان‌شده این است که فرد، شخصیت مستقل خودش را از دست می‌دهد و صرفاً با مشاهده رفتار دیگران، آن‌ها را تقلید می‌کند و بازتابی از محیط اطرافش است.

تشریح گزینه‌های نادرست:

«ب»: زهرا رشته تحصیلی مورد علاقه‌اش را بررسی می‌کند، مشورت می‌کند، ویژگی‌های هر یک را مطالعه می‌کند و با والدین خود مشورت می‌کند که زیربنای این تصمیم‌گیری، نه عجله و شتاب، نه هیجانات زودگذر، نه اطاعت و پیروی کورکورانه و نه اجتناب، بلکه اندیشیدن است و بهترین شیوه تصمیم‌گیری محسوب می‌شود، اما همه ما در برخی موقعیت‌ها گاهی مجبور می‌شویم از سایر سبک‌ها استفاده کنیم؛ مثلاً ممکن است یک مادر در مقابل فرزندش از سبک احساسی استفاده کند ولی سبک غالب هر فردی باید از نوع منطقی باشد، این سبک نمی‌تواند مبنای تصمیم‌گیری باشد.

«ج»: سبک تصمیم‌گیری سعید از نوع «تکانشی» است که به‌صورت ناگهانی، با عجله و بدون محاسبه تصمیم‌گیری می‌شود؛ از طرفی این احساسات در سبک تصمیم‌گیری احساسی است که به‌دلیل زودگذر بودن نمی‌تواند زیربنای تصمیم‌گیری باشد.

(روانشناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۴۲ تا ۱۴۷)

۷۹- گزینه «۱»

(معمد عرفان فراهاری)

انتخاب رشته تیراندازی، اشاره به اجرای بهترین اولویت یعنی مرحله «پنجم» تصمیم‌گیری دارد.

تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینه «۲»: بیان ویژگی‌های هر رشته ورزشی، اشاره به مرحله «سوم» تصمیم‌گیری دارد.

گزینه «۳»: سه سال فعالیت در رشته تیراندازی و راه‌یابی به تیم ملی، به ترتیب به مراحل «ششم» و «هفتم» تصمیم‌گیری اشاره دارند.

گزینه «۴»: اینکه نیما از بین رشته‌های ورزشی مختلف، چند مورد را شناسایی کرده به مرحله «دوم» تصمیم‌گیری اشاره دارد.

(روانشناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه ۱۴۸)

۸۰- گزینه «۱»

(معمد عرفان فراهاری)

علی بین وقت گذراندن با دوستان خود (گرایش) و مطالعه برای کنکور (اجتناب) مردد شده است، بنابراین تعارض او از نوع گرایش - اجتناب است. اینکه علی به قضاوت و روش‌های تصمیم‌گیری خود بیش از حد اعتماد دارد و می‌گوید که اگر وقت بیشتری صرف دوستانش کند تأثیر منفی نخواهد گذاشت؛ اعتماد افراطی است.

(روانشناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۴۹ تا ۱۵۳)

گزینه «۲»: وقتی سماجت بر حل مسئله برای مدت زمانی نادیده گرفته می‌شود، عواملی که مانع حل آن مسئله هستند فراموش می‌شوند و هنگام مراجعه مجدد و با نبود آن موانع، حل مسئله محقق می‌شود.

گزینه «۴»: مثال موردنظر به روش خرد کردن که از روش‌های اکتشافی حل مسئله می‌باشد، اشاره دارد. در این روش یک مسئله بزرگ به چندین مسئله کوچک تقسیم می‌شود تا افراد به تدریج بتوانند به مسئله بزرگ دسترسی پیدا کنند.

(روانشناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه‌های ۱۲۱ تا ۱۲۶)

۷۵- گزینه «۲»

(هانا امیرزاده)

بررسی عبارت‌ها:

عبارت «الف»: شکست تیم ورزشی، نمونه‌ای از موقعیت‌های ایجادکننده ناکامی است که در صورت نداشتن مهارت حل مسئله، به پرخاشگری و تخریب اموال عمومی منجر می‌شود.

عبارت «ب»: علت ناتوانی بسیاری از افراد در حل مسئله، نداشتن تجربه گذشته یا نگاه جدید است. اگر با نگاه جدید به مسئله بنگرید، در آن صورت راه‌حل آن آسان خواهد بود.

عبارت «ج»: ناتوانی در حل مسئله، فرد را از رسیدن به هدف موردنظر باز می‌دارد؛ در نتیجه فرد احساس فشار روانی می‌کند.

(روانشناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه‌های ۱۳۰ و ۱۳۱)

۷۶- گزینه «۳»

(فرید هاری)

الف) نادرست: تصمیم‌گیری نوعی حل مسئله است، اما در حل مسئله به دنبال روش‌های کارآمد و موفق هستیم.

ب) درست: انتخاب همسر آینده، یک تصمیم مهم و پیچیده است (دارای اولویت‌های متعدد و اهمیت زیاد).

ج) نادرست: حل مسئله و تصمیم‌گیری دارای اشتراکاتی هستند.

د) درست: تصمیم‌گیری را از سه جنبه می‌توان به طرق مختلفی دسته‌بندی کرد:

اهمیت: (مهم یا معمولی) تعداد اولویت‌ها: (ساده یا پیچیده) تعداد افراد تصمیم‌گیرنده: (فردی یا گروهی)

(روانشناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۳۶ تا ۱۴۰)

۷۷- گزینه «۳»

(معمد میببی)

عبارت‌های مربوط به آن	ملاک تصمیم‌گیری
پ - ح - خ	هزینه‌ها
ب - ت - ج	مزیت‌ها
الف - ث - چ	خطر

(روانشناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۴۱ و ۱۴۲)

عربی زبان قرآن (۲)

۸۱- گزینه «۴»

(مصطفی قدیمی فرد)

«أَمَنُوا»: (فعل ماضی) ایمان آوردند (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «لَمْ يُفَرِّقُوا»: (ماضی منفی) جدایی نینداختند (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ»: به آن‌ها خواهد داد (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «أَجُورَ»: (جمع «أَجْر»): مزدهایشان (رد گزینه ۲)

(ترجمه)

۸۲- گزینه «۳»

(امیرعلی فردین - کنبرکاووس)

«كَانَ أَبُوكَ أَجُودَ النَّاسِ»: پدرت بخشنده‌ترین مردم بود (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «يَفْكَ الْأَسِيرَ»: (در این جا) اسیر را آزاد می‌کرد (رد گزینه ۴) / «لَوْجَه اللَّهِ»: برای خشنودی خدا (رد گزینه ۴) / «يُفَرِّجُ عَنِ الْمَكْرُوبِ»: (در این جا) اندوه غمگین را برطرف می‌نمود (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «قَلْبٍ: قلبی (رد گزینه ۲) / «يَبْعَثُ الْأَمْلَ»: (در این جا) امید را برمی‌انگیزد (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «فِي نَفُوسِ الْيَائِسِينَ»: در جان‌های افراد ناامید (رد گزینه‌های ۱ و ۲) (ترجمه)

۸۳- گزینه «۴»

(ابوطالب درانی)

ترجمه صحیح عبارت گزینه «۴»: «ای پسرک من؛ هیچ‌گاه ظلم نکن همانطور که دوست نداری به تو ظلم شود!»

(ترجمه)

۸۴- گزینه «۴»

(مهم‌مهری یعقوبی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «أَلْتَفِتَ» فعل مجهول است؛ در حالی که به صورت معلوم ترجمه شده است. (ترجمه درست عبارت: کودکی را دیدم که هر بار شروع به سدازدن مادرش می‌کرد، به او توجه می‌شدا)
گزینه «۲»: «لَمْ أَسْتَطِعْ» به معنای «نتوانستم» و «الْخَائِبُ» به معنای «ناامید» است.

گزینه «۳»: «غُيُوبَ» جمع است اما در این جا مفرد ترجمه شده است.

(ترجمه)

۸۵- گزینه «۱»

(سیر مهم‌مهری مرتضوی)

«به خدا پناه می‌برم»: أَعُوذُ بِاللَّهِ (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «سود نمی‌رساند»: لَا يَنْفَعُ (رد گزینه ۲) / «شنیده نمی‌شود»: (فعل مضارع مجهول) لَا يُسْمَعُ (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

(تعریب)

۸۶- گزینه «۲»

(مهم‌رضا سوری - نهاوند)

ترجمه عبارت صورت سؤال: راستگو با صداقتش به چیزی می‌رسد که دروغگو با فریبکاری‌اش به آن نمی‌رسد!

ابیات گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ با عبارت عربی داده شده هم‌مفهوم هستند، اما مفهوم بیت گزینه «۲» این است که فرد دروغگو هرچند سعی کند دروغ خود را بپوشاند، اما عاقبت حقیقت آشکار می‌گردد.

(مفقوم)

۸۷- گزینه «۲»

(مرتضی کاظم شیرووری)

«لَا يُطْعِمُ» فعل نهی غایب است؛ حرکت کسره در انتهای فعل، به دلیل وجود «ال» در «المساكين» است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «لِلْمُسْلِمِ» مبتدا و خبر آن فعل «لَا يُطْعِمُ» است؛ دقت کنید در این عبارت، «الصَّالِحِ» صفت است.

گزینه «۳»: «لِلْمَسَاكِينِ» مفعول و منصوب به حرکت فتحه است، زیرا در این جا با جمع مكثر مواجهیم و «ین» نشانه جمع مذکر سالم نیست.

گزینه «۴»: فعل «لَا يَأْكُلُ» معلوم است نه مجهول؛ در فعل مضارع مجهول، حروف مضارعه در ابتدای فعل، همواره با حرکت ضمه ظاهر می‌شوند.

نکته مهم درسی:

هرگاه پس از ساکن، اسم «ال» دار بیاید، ساکن تبدیل به کسره (ب) می‌شود. (تعلیل صرفی و اعراب)

۸۸- گزینه «۱»

(کامران عبداللہی - کوه‌رشد)

صورت سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن جمله وصفیه باشد؛ در گزینه «۱»، «يُظَهِّرُ» فعلی است که بعد از اسم نکره «أَثَرُ» آمده و آن را توصیف کرده است، پس جمله وصفیه است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌های «۲» و «۴»: «اسم نکره فعل» نیامده است.

گزینه «۳»: بین اسم نکره «خُلِقَ» و فعل «يَدْعُو»، «واو» آمده است پس در این جا جمله وصفیه نداریم.

(جمله وصفیه)

۸۹- گزینه «۳»

(سیر مهم‌مهری مرتضوی)

در گزینه «۳»، فعلی معادل مضارع التزامی فارسی نداریم؛ ترجمه عبارت: «به مادر خبر ندادهم که لحظه دیدار نزدیک است و آن‌ها منتظرمان هستند!»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «در آغاز فصل بهار، شکوفه‌ها باز می‌شوند تا بوی خوششان را استشمام کنیم»

گزینه «۲»: «پدران و مادران از فرزندان خواستند که در کار به آن‌ها کمک کنند!»

گزینه «۴»: «امروز نباید به ورزشگاه شهر برویم زیرا آن بسیار شلوغ است!»

(قواعد فعل مضارع)

۹۰- گزینه ۳»

(همیدرضا قائن‌امینی - اصفهان)

در گزینه «۳»، حرف «ل» در «لِنَذْهَبْ» از نوع «لِ-امر» به معنای «باید» است: «باید به مدائن برویم تا آرامگاه صحابی گران‌قدر، سلمان فارسی را زیارت کنیم!»؛ در حالی که در سایر گزینه‌ها حرف «ل» در «لِیَکْمِلْ، لِیُعَاقِبْ، لِیَتَخَلَّصْ» از نوع «لِ-ناصبه» به معنای «برای اینکه، تا» است.

نکات مهم درسی:

«لِ- فعل مضارع» ممکن است به صورت «باید + مضارع التزامی» (لام امر) یا به صورت «تا + مضارع التزامی» (لام ناصبه) ترجمه شود؛ راه تشخیص درست این موضوع، توجه به فعل درون جمله و معنای کلی جمله است.

ترجمه سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: برای اینکه حامد تحصیل خود را کامل کند، خانواده‌اش او را به تهران فرستاد و به حمایت از او پرداخت!

گزینه «۲»: برای اینکه برادر بزرگترم، دشنامگوی نادانش را کیفر کند، در برابر او دم فرو می‌بندد و او را خوارشده رها می‌کند!

گزینه «۴»: برای اینکه جوان پُرگناه از بدی گناهانش رهایی یابد، به نصیحت فرد دانایی عمل کرد!

(قواعد فعل مضارع)

عربی زبان قرآن (۱)

۹۱- گزینه ۲»

(امیرعلی فردین - گنبدکاووس)

«هُوَ أَنْشَأَكُمُ»: او شما را پدید آورد (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»: «استعمر» فعل ماضی غایب و ضمیر «کُم» مفعول آن است (خواستار آباد کردن آن از شما شد (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

(ترجمه)

۹۲- گزینه ۴»

(همیدرضا سوری - نهاوند)

«مَسَافَرُوا فَنَدَقْنَا»: «مَسَافَرُونَ» بوده که نون به خاطر مضاف‌شدن، حذف شده است) مسافران هتلمان (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «كَانَ ... يُرِيدُونَ»: ماضی استمراری می‌خواستند (رد سایر گزینه‌ها) / «أَنْ يَسْتَلِمُوا»: دریافت کنند (رد سایر گزینه‌ها) / «الْأَدْوِيَّةُ»: (جمع «الدواء») داروها (رد گزینه ۲) / «الْوَصَفَاتُ»: (جمع) نسخه‌ها (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «الْصِيدَلَى»: داروخانه‌دار / «لَا يَسْمَحُ»: اجازه نمی‌دهد (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «أَنْ أُعْطِيَكُمْ»: به شما بدهم (رد سایر گزینه‌ها) / «الْحُبُوبُ الْمُهْدَتَةُ»: قرص‌های آرامبخش (رد گزینه ۱)

(ترجمه)

۹۳- گزینه ۱»

(کتاب تاک - کنکور قارج از کشور انسانی ۹۸)

«إِنْ كَانَ»: اگر باشد (رد سایر گزینه‌ها) / «بِئْسَ النَّفْطُ»: چاه نفت / «فِي الطَّبَقَاتِ الصَّخْرِيَّةِ»: در طبقه‌های سنگی (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «يَسْتَغْرِقُ»: می‌گیرد (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «اسْتَخْرَاجَهُ»: استخراج آن (استخراجش) (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «وَقْتُاً طَوِيلاً»: وقت زیادی (رد گزینه ۳)

(ترجمه)

۹۴- گزینه ۱»

(کامران عبداللہی - کوهدرشت)

«مَنَاطِقٌ مُخْتَلِفَةٌ»: (موصوف و صفت نکره) مناطق گوناگونی

«تَقَعَ»: (فعل مضارع) قرار دارند

(ترجمه)

۹۵- گزینه ۴»

(همیدرضا قائن‌امینی - اصفهان)

«هزاران»: آلف (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «کشور عزیزمان»: بلادنا العزیزة (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «می‌بینیم»: نَرَى، نُشَاهِدُ (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «تاگزیر هستیم»: لَايَدُ لَنَا (رد سایر گزینه‌ها) / «برای جذب»: لِيَجْذِبَ (رد گزینه ۱) / «گردشگران»: السَّائِحِينَ (رد گزینه ۲)

«الأجانب» در گزینه «۳» اضافی است و معادل فارسی آن در متن وجود ندارد (رد گزینه ۳).

(تعريب)

۹۶- گزینه ۲»

(مصطفی قریمی فردر)

در گزینه «۲»، شاعر به همان مفهوم عبارت عربی صورت سؤال (عقل سالم در بدن سالم است!) اشاره کرده است. سایر گزینه‌ها چنین مفهومی را دربر ندارند.

(مفقوم)

۹۷- گزینه ۲»

(ابوطالب درانی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «السَّائِحِينَ» (به‌صورت اسم فاعل) و «العالم» (به معنای «جهان») صحیح است.

گزینه «۳»: «يَسْتَخْرِجُ» صحیح است. (جمله دارای فاعل و مفعول است پس فعل نباید به صورت مجهول نوشته شود!)

گزینه «۴»: «تَحَذَّرُ» (به صورت مضارع معلوم) و «المُؤَاطِنِينَ» (به‌صورت اسم فاعل) صحیح است.

(ضبط حرکات)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: فعل «يُعْطَى» فقط می‌تواند معلوم باشد، زیرا «اللَّهُ» فاعل آن است: خداوند از نعمت‌هایش بیشتر به کسی می‌دهد که شکرگزاری‌اش در زندگی بیشتر است!

گزینه «۳»: فعل «تُوجَد» با توجه به حرکاتش، مجهول است و دیگر نمی‌توان آن را به صورت فعل معلوم خواند.

گزینه «۴»: «عِلْمُنَا» و «يَصْنَعُونَ» معلوم هستند. ترجمه: دانستیم که صنعتگران از نفت، فراورده‌هایی مانند عطرها می‌سازند!

(فعل مجهول)

عربی، زبان قرآن (۳)

۱۰۱- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمان‌های)

«تكون»: باشیم (رد گزینه ۳) / «تُقَاد»: ناقدان (رد گزینه ۴؛ «ز» اضافی است) / «لا نأخذُ»: نمی‌گیریم (رد گزینه ۴؛ «نباید بگیریم» نادرست است؛ «لا نأخذُ» فعل مضارع منفی است نه نهی) / «كلّ ما»: هر چه (رد گزینه ۲؛ «كل» ترجمه نشده است) / «تسمعُ»: می‌شنویم (رد گزینه ۳) / «تتفكرُ»: تفکر می‌کنیم (رد گزینه ۴؛ همراه «باید» و به صورت فعل امر ترجمه شده است). در گزینه «۲»، «حتی» و در گزینه «۴»، «بلکه» اضافی هستند.

(ترجمه)

۱۰۲- گزینه «۲»

(سیر مفسر علی مرتضوی)

«لعلّ»: شاید، امید است / «یشتری»: (بعد از لعلّ: مضارع التزامی) بخرد (رد گزینه ۴) / «هذه البضائع»: این کالاها (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «عبرَ»: از طریق، از راه / «لأنّ»: زیرا، چون / «الأسعار»: قیمت‌ها (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «أرخصُ»: ارزانتر / «المتجرُ»: مغازه (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

(ترجمه)

۱۰۳- گزینه «۴»

(مفسر صبارق مفسنی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ... که خداوند بر هر چیزی ...!

گزینه «۲»: ... زیرا بلیت هواپیما ...!

گزینه «۳»: ... اهل علم زنده‌اند حتی اگر بمیرند!

(ترجمه)

۱۰۴- گزینه «۳»

(مفسر صبارق مفسنی)

«ای کاش»: یا لیت (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «مردم»: الناس / «بدی‌ها»: السّیئات (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «ترک کنند»: یتروکون (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «همان‌طور»: کما (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «خدا آنان را بدان دستور داد»:

أمرهم الله به (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

در ترجمه دقت کنید که:

(۱) لیت + فعل مضارع = مضارع التزامی

(۲) لیت + فعل ماضی = ماضی استمراری یا ماضی بعید

(تعریب)

۹۸- گزینه «۴»

(مفسر معری یعقوبی)

ترجمه گزینه «۴»: هیچ شکی نیست که خداوند کسی را که به مردم رحم می‌کند، می‌بخشد! در این جمله، «مَنْ» مفعول است و می‌دانیم که اسم‌های موصول (اعم از «ما» و «مَنْ») جزء اسم‌های مبنی هستند.

نکات مهم درسی:

در زبان عربی اکثر اسم‌ها معرب‌اند؛ پس چنانچه اسمی جزء مبنی‌ها (موصولات، اسم‌های اشاره، ضمائر، کلمات پرسشی) نبود، آن را یک اسم معرب در نظر بگیرید.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «الْمُتَوَاضِعِينَ» مفعول جمله است، اما معرب می‌باشد.

گزینه «۲»: مفعول جمله «عیوب» است، اما معرب می‌باشد. (دقت کنید ضمیر «کُم» که به آن چسبیده، نقش مضاف‌الیه را دارد).

گزینه «۳»: مفعول جمله «کَهَف» است، اما معرب می‌باشد.

(انواع اعراب)

۹۹- گزینه «۳»

(کتاب تاک - کلتور انسانی ۱۴۰۰)

صورت سؤال، گزینه صحیح را در ساخت فعل مجهول می‌خواهد؛ به ترجمه عبارت دقت کنید: «مردم نفت را در صنعت به‌کار گرفتند و زمین با زیاده‌رویشان در استفاده از آن، از سلامتی دور شد، و در این هنگام، محیط زیست را تهدید می‌کنند و زندگی در معرض مرگ قرار می‌گیرد.»؛ گزینه‌ها را یکی یکی بررسی می‌کنیم:

گزینه «۱»: هنگام ساخت جمله مجهول، فاعل فعل معلوم باید حذف شود، «الناس» فاعل فعل «استخدم» بوده است که حذف نشده است. (نادرست) گزینه «۲»: فعل مجهول، تنها از فعل‌های متعدّی (دارای مفعول) ساخته می‌شود. «ابتعدت» دور شد فعلی لازم و بدون مفعول است، پس نمی‌توان از آن فعل مجهول ساخت. (نادرست)

گزینه «۳»: «یُهدّدون» فعلی متعدّی است، «البیئة» هم مفعول آن است، پس می‌توانیم آن را به‌صورت «تُهدّدون» مجهول کنیم و «البیئة» نیز به عنوان نائب فاعل آن، مرفوع می‌شود. (صحیح)

گزینه «۴»: مشابه گزینه «۲»، از آنجایی که «تتعرّضُ» از باب تفعّل و لازم است و بدون مفعول هم آمده است، نمی‌تواند تبدیل به مجهول شود. (نادرست).

(فعل مجهول)

۱۰۰- گزینه «۱»

(مرتضی کاظم شیرودی)

صورت سؤال فعلی را می‌خواهد که هم می‌تواند مجهول خوانده شود و هم معلوم. فعل «أخبر» هم می‌تواند مجهول خوانده شود و هم معلوم. اگر فعل معلوم باشد، مضارع اول شخص است (از قبل به این دانش آموز خبر می‌دهم که فردا یک امتحان داریم!) و اگر مجهول باشد، فعل ماضی غایب است (از قبل به این دانش آموز خبر داده شد که فردا یک امتحان داریم!)

تاریخ (۲)

۱۰۵- گزینه «۴»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «مبتداً و مرفوع» نادرست است. «اسم إنّ (از حروف مشبّهة بالفعل) و منصوب» صحیح است.

گزینه «۲»: «فاعله: «الَّذین» نادرست است. «الَّذین» نقش مفعول را دارد.

گزینه «۳»: «جمع تکسیر...» نادرست است. «سَبیل» مفرد است و جمع مکسر آن، «سَبُل» است.

(تفلیل صرفی و اعراب)

۱۰۶- گزینه «۴»

در گزینه «۴»، «القلب» اسم إنّ و «یموت» خبر آن است.

(تفلیل صرفی و اعراب)

۱۰۷- گزینه «۲»

در گزینه «۲»، حرف «لعلّ» برای بیان امیدواری است.

(مرفوع مشبّهة بالفعل)

۱۰۸- گزینه «۳»

(کتاب تاک - کنکور انسانی ۱۴۰۱)

صورت سؤال، گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن، یک اسم با علامت «الف» مرفوع شده باشد؛ می‌دانیم اسم‌های مثنی با علامت «الف» مرفوع می‌شوند. در گزینه «۳»، «مُفیدان» اسمی مثنی است که خبر إنّ (از حروف مشبّهة بالفعل) واقع شده و مرفوع با علامت «الف» است.

دقت کنید در سایر گزینه‌ها «أُسنان»، «أُطنان» و «أُوزان» هیچ کدام مثنی نیستند، بلکه جمع مکسرند و «ان» جزئی از خود کلمه است.

(مرفوع مشبّهة بالفعل)

۱۰۹- گزینه «۴»

(امسان کلاته عربی)

ترجمه عبارت: دخترم گفت: ماه مثل (کأنّ) چراغی در دل آسمان است! دقت کنید برای تشبیه از «کأنّ» استفاده می‌شود.

(مرفوع مشبّهة بالفعل)

۱۱۰- گزینه «۱»

«لا» بی که در آیه شریفه به کار رفته، لای نفی جنس است (ترجمه: هیچ اجباری در دین نیست).

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: در این گزینه، «لا» حرف نفی است (ترجمه: خداوند بر کسی که به مردم رحم نکند، رحم نمی‌کند!).

گزینه «۳»: در این گزینه، «لا» حرف نهی است (ترجمه: چیزی روی دیوار ننویس!).

گزینه «۴»: «لا» در این گزینه، نفی جنس نیست، چون پس از آن اسم معرفه آمده است («لا» از نوع عطف است).

(«لا»ی نفی جنس)

۱۱۱- گزینه «۲»

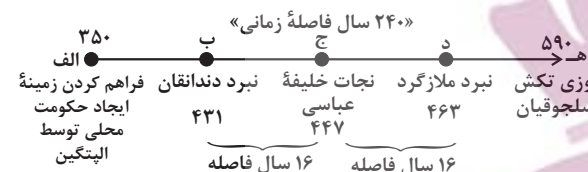
تشریح گزینه‌های دیگر:

(فاطمه عزیزی)

گزینه «۱»: نبرد دندانقان در سال ۴۳۱ هجری قمری رقم خورد که ۳۲ سال بعد از آن در حدود ۴۶۳ هجری قمری، نبرد ملازگرد اتفاق افتاد.

گزینه «۳»: حداکثر زمان نمودار ۵۹۰ هجری قمری است؛ در حالی که مغولان در سال ۶۱۶ هجری قمری به ایران حمله کردند.

گزینه «۴»: حمله محمود غزنوی به ری در سال ۴۲۰ هجری قمری اتفاق افتاد؛ در حالی که نجات خلیفه عباسی توسط طغرل در سال ۴۴۷ هجری قمری رخ داد.



(تاریخ (۲)، ایران در دوران غزنوی، سلجوقی و قاجار، صفه‌های ۱۰ تا ۱۰۵)

۱۱۲- گزینه «۱»

تشریح عبارت‌های نادرست:

(علیرضا پیرا)

الف) مدارس نظامیه اختصاص به تدریس فقه شافعی و دانش‌های وابسته به آن داشت.

ج) پس از نظام‌الملک، مدیران و مدرسان نظامیه‌ها توسط سلطان یا خلیفه تعیین می‌شدند.

(تاریخ (۲)، ایران در دوران غزنوی، سلجوقی و قاجار، صفه‌های ۱۱۰ و ۱۱۱)

۱۱۳- گزینه «۴»

تشریح عبارت‌ها:

(هاشم صفرقانیان)

الف) شرایط نامساعد طبیعی، پاسخ‌گوی نیازهای اقتصادی مغول‌ها نبود و در نتیجه برای تأمین معاش خود، به جنگ و هجوم به سرزمین‌های دیگر روی آوردند.

ب) در پرتو تلاش‌های خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، وزیر کارداران ایلخانان، اصلاحات گسترده‌ای در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی انجام گرفت.

ج) حکومت نوادگان تیمور بر ایران، در اوایل قرن دهم هجری با به قدرت رسیدن صفویان در ایران و تسلط ازبکان بر ماوراءالنهر به پایان رسید.

(تاریخ (۲)، حکومت، جامعه و اقتصاد در عصر مغول - تیموری، صفه‌های ۱۱۴، ۱۱۶ و ۱۱۸)

۱۱۴- گزینه «۳»

تشریح عبارت‌ها:

(مهم‌مهری یعقوبی)

الف) شهر سلطانیه، پایتخت آخرین ایلخانان بود.

ب) مناطق ماوراءالنهر و خراسان در تهاجم مغولان، بیشترین خسارت را تحمل کردند.

(تاریخ (۲)، حکومت، جامعه و اقتصاد در عصر مغول - تیموری، صفه‌های ۱۱۹ و ۱۲۲)

۱۱۵- گزینه «۳»

(راضیه ابراهیمی‌نژاد)

الف) سرشناس‌ترین معماران این دوره، قوام‌الدین و غیاث‌الدین شیرازی و محمدبن محمود اصفهانی بودند که استادانی بی‌همتا در فنون معماری به شمار می‌روند.

ب) حمدالله مستوفی مؤلف کتاب «تاریخ گزیده» است.

ج) فاخرترین شاهنامه مصور شده در عصر تیموری، شاهنامه بایسنقری است که به دستور بایسنقر میرزا پسر شاهرخ که سیاستمداری هنرمند و هنرپرور بود، خوشنویسی و مصور شد.

د) نامورترین نقاشان عصر تیموری، کمال‌الدین بهزاد بود که آثار و مکتب نگارگری او سرآغاز دگرگونی‌های عظیمی در نقاشی به‌شمار می‌آید.

(تاریخ (۲)، فرهنگ و هنر در عصر مغول - تیموری، صفحه‌های ۱۲۹، ۱۳۰ و ۱۳۲)

تاریخ ایران و جهان (۱)

۱۱۶- گزینه «۲»

(یاسین ساعری)

بررسی رویدادها براساس تقدم و تاخر زمانی درست:

رویداد «الف»: اشکانیان پس از قریب صد سال جنگ و گریز موفق شدند سلوکیان را به‌طور کامل از ایران بیرون کنند و این رویداد در اوایل تأسیس اشکانیان رخ داده است.

رویداد «د»: در دوران مهرداد دوم، اشکانیان تا رود فرات پیش رفتند و با امپراتوری روم همسایه شدند و مهرداد دوم از پادشاهان قدرتمند اشکانی بود که پس از استقرار کامل اشکانیان بر ایران به قدرت رسید.

رویداد «ب»: این جنگ در زمان پادشاهی ارد دوم اتفاق افتاد که یکی از پادشاهان بعدی اشکانیان است. همچنین پس از جنگ حران، اشکانیان و رومیان بارها با هم جنگیدند و این جنگ‌ها تا اواخر دوران اشکانیان ادامه داشت.

رویداد «ج»: اردوان چهارم (آخرین پادشاه اشکانی) در جنگ با اردشیر بابکان ساسانی شکست خورد و کشته شد و سلسله اشکانیان از هم پاشید و سپس اردشیر در تیسفون تاج‌گذاری کرد. این رویداد پس از سایر رویدادها رخ داده است.

(تاریخ (۱)، اشکانیان و ساسانیان، صفحه‌های ۹۱ تا ۹۴)

۱۱۷- گزینه «۴»

(مهم‌مهری یعقوبی)

یزدگرد سوم که به خراسان گریخته بود، سرانجام در اطراف شهر مرو کشته شد و با مرگ او، سلسله ساسانیان به پایان آمد و ایران وارد دوران اسلامی تاریخ خود شد.

(تاریخ (۱)، اشکانیان و ساسانیان، صفحه ۹۸)

۱۱۸- گزینه «۳»

(فاطمه عزیزی)

تشریح عبارت‌ها:

الف) میان هخامنشیان و اشکانیان مشترک است.

ب) میان هخامنشیان و ساسانیان مشترک است.

ج) میان مادها، هخامنشیان و سلوکیان مشترک است.

د) میان هخامنشیان و ساسانیان مشترک است.

(تاریخ (۱)، آیین‌های کشوری، صفحه‌های ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۲ و ۱۰۳)

۱۱۹- گزینه «۳»

(علیرضا آزادی‌زاده)

تشریح عبارت‌های نادرست:

الف) روحانیون عمدتاً به اختلافات حقوقی و مدنی می‌پرداختند و قضات شاهی به جرایم سیاسی و نظامی رسیدگی می‌کردند.

د) از اشارات نویسندگان یونانی معلوم می‌شود که در دوران هخامنشی، قوانینی جهت محدودکردن اختیارات و قدرت پادشاه وجود داشته است. مثلاً هرودت به قانونی ایرانی اشاره می‌کند که پادشاه نباید کسی را به سبب یک بار ارتکاب جرم، به مرگ محکوم کند.

(تاریخ (۱)، آیین کشوری، صفحه‌های ۱۰۴ تا ۱۰۷)

۱۲۰- گزینه «۲»

(علیرضا پورپر)

تشریح عبارت‌های نادرست:

ج) در دوران ساسانیان، موبدان زرتشتی، مدافع نابرابری‌های اجتماعی و امتیازات طبقه حاکم بودند.

ه) بخش عمده هرم اجتماعی ایران در دوران اشکانیان را توده مردم عادی (شامل کشاورزان، شبانان، صاحبان حرف و صنایع و بازرگانان) تشکیل می‌دادند.

(تاریخ (۱)، جامعه و خانواده، صفحه‌های ۱۱۰ تا ۱۱۳)

جغرافیا (۲)

۱۲۱- گزینه «۴»

(فاطمه عزیزی)

تشریح عبارت‌ها:

الف) از دهه ۱۹۷۰ میلادی با انقلاب سبز و به‌کار بردن روش‌های علمی، بذره‌های اصلاح شده، کود و آفت‌کش‌های شیمیایی و ماشین آلات، برخی کشورها موفق شدند تولید کشاورزی خود را به چند برابر افزایش دهند که از جمله این کشورها می‌توان به فیلیپین و پاکستان اشاره کرد که در زمینه تولید برنج به خودکفایی رسیدند. (رد گزینه «۲»)

ب) دامداری‌های تجاری ممکن است در کنار مزارع بزرگ غله تجاری ایجاد شوند و از بقایای محصولات کشاورزی برای تغذیه دام استفاده کنند. ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، استرالیا، زلاندنو، آرژانتین و برزیل از مهم‌ترین مراکز دامداری تجاری در جهان هستند. (رد گزینه «۱»)

ج) غلات مانند گندم، برنج، ذرت، جو، چاودار و ارزن نقش مهمی در تأمین غذای مردم جهان دارند. در کشورهای آسیایی و آفریقایی بخش عمده غذای مردم را غلات تشکیل می‌دهد. (رد گزینه «۳»)

د) از مهم‌ترین نواحی کشت غله تجاری در دنیا مزارع وسیع گندم در چین، هند، ایالات متحده آمریکا، روسیه، کانادا، فرانسه و استرالیا است. همچنین ایالات متحده آمریکا حدود ۴۰ درصد ذرت جهان را تولید می‌کند. (درستی گزینه «۴»)

(مغرافیا (۲)، نوامی اقتصادی (کشاورزی و صنعت)، صفحه‌های ۸۷، ۸۸ و ۹۰)

۱۲۲- گزینه «۲»

(حامد صفه‌فانیان)

تشریح عبارت‌ها:

- الف) مربوط به فعالیت‌های نوع چهارم است.
ب) مربوط به فعالیت‌های نوع اول است.
ج) مربوط به فعالیت‌های نوع سوم است.
د) مربوط به فعالیت‌های نوع دوم است.
ه) مربوط به فعالیت‌های نوع سوم است.

(پغرافیا (۲)، نواهی اقتصادی کشاورزی و صنعت)، صفه‌های ۸۳، ۹۶، ۹۸)

۱۲۳- گزینه «۱»

(فاطمه اهدری)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۲»: پس از جنگ جهانی دوم، کشورهای سرمایه‌داری علاوه بر صادرات کالا، وارد مرحله صدور سرمایه شدند و در دیگر نقاط جهان سرمایه‌گذاری کردند.
گزینه «۳»: با گسترش راه‌ها، کاروان‌سراها و سپس شکل‌گیری جاده ابریشم، میزان مبادلات تجاری بین نواحی مختلف افزایش یافت و تجارت از سطح محلی فراتر رفت.

گزینه «۴»: گروه‌های اقتصادی: گروه اول: تولید و صادرات مواد اولیه و خام. گروه دوم: تولید و صادرات کالاهای کارخانه‌ای و صنعتی همراه با فناوری پیشرفته.

بنابراین گروه دوم، درآمد خود را عمدتاً از صادرات کالاهای صنعتی به‌دست می‌آورند.

(پغرافیا (۲)، نواهی اقتصادی (تجارت و اقتصاد جهانی)، صفه‌های ۱۰۰، ۱۰۲ و ۱۰۳)

۱۲۴- گزینه «۲»

(رافیه ابراهیمی‌نژاد)

تشریح عبارت‌های نادرست:

ب) شرکت‌های چندملیتی، فقط به سود خود توجه دارند و به منافع کشور میزبان چندان توجهی ندارند.

د) مزارع تک‌محصولی در نواحی استوایی کشت می‌شوند.

(پغرافیا (۲)، نواهی اقتصادی (تجارت و اقتصاد جهانی)، صفه‌های ۹۲ و ۱۰۳)

۱۲۵- گزینه «۳»

(علیرضا پدرا)

مناطق آزاد تجاری با اعمال عوارض گمرکی کمتر نسبت به سایر مناطق، سعی می‌کنند صادرات را افزایش دهند (نادرستی گزینه‌های «۲» و «۴»)، اما برخی از مناطق آزاد در رسیدن به اهداف خود موفق نبوده‌اند، زیرا در برخی کشورها به پایگاه واردات تبدیل شده‌اند. (نادرستی گزینه «۱» و درستی گزینه «۳»)

(پغرافیا (۲)، نواهی اقتصادی (تجارت و اقتصاد جهانی)، صفه‌های ۱۰۸ تا ۱۱۰)

جغرافیای ایران

۱۲۶- گزینه «۳»

(علیرضا پدرا)

مدت زمان دو برابر شدن جمعیت = $\frac{۷۰}{\text{نرخ رشد جمعیت}}$

$$\Rightarrow \frac{۷۰}{\text{نرخ رشد جمعیت}} = ۳۵$$

$$\Rightarrow \text{نرخ رشد جمعیت} = ۲$$

با توجه به عدم لحاظ مهاجرت، میزان مرگ و میر را x در نظر می‌گیریم:

$$۱۰۰ \times \frac{\text{میزان مرگ و میر} - \text{میزان موالید}}{\text{کل جمعیت}} = \text{رشد جمعیت}$$

$$\Rightarrow ۲ = \frac{۴ - x}{۸۰} \times ۱۰۰ \Rightarrow ۱/۶ = ۴ - x \Rightarrow x = ۲/۴$$

(پغرافیای ایران، ویژگی‌های جمعیت ایران، صفه‌های ۶۷ و ۶۸)

۱۲۷- گزینه «۳»

(مهدی کردان)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: در گذشته آمار جمعیت نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های برنامه ریزان داشت.

گزینه «۲»: امروزه برنامه‌ریزان برای برنامه‌ریزی دقیق، مجبورند علاوه بر تعداد جمعیت، عوامل دیگر جمعیتی را نیز در نظر بگیرند.

گزینه «۴»: متخصصان به دلیل اهمیت نسبت سنی در برنامه‌ریزی هر کشور از لحاظ سنی، جمعیت را به گروه‌های مختلفی دسته‌بندی کرده‌اند.

(پغرافیای ایران، ویژگی‌های جمعیت ایران، صفه ۷۰)

۱۲۸- گزینه «۴»

(مهم‌مهدی یعقوبی)

در دهه‌های اخیر، بر اثر گسترش بهداشت و واکسیناسیون، لوله‌کشی و بهبود آب آشامیدنی، رونق صادرات نفت (گاز ذکر نشده است) و واردات مواد غذایی؛ میزان مرگ‌ومیر کاهش یافته و سبب افزایش سریع جمعیت شده است.

اساساً نباید سیاست کنترل جمعیت به گونه‌ای باشد که هرم سنی کشور به سمت سالمندی و کهنسالی حرکت کند؛ زیرا این پدیده مانع اصلی بر سر راه توسعه اقتصادی جامعه خواهد بود.

(پغرافیای ایران، ویژگی‌های جمعیت ایران، صفه ۷۲)

۱۲۹- گزینه «۲»

(علیرضا سالمی)

تشریح عبارت‌ها:

الف) در دوره قاجاریه، ایران به چهار ایالت و دوازده ولایت تقسیم شد.

ب) در دوره ساسانیان، کشور به سرزمین (ایالت)، خوره (استان)، تسوگ یا تسوج (شهرستان) و رستاک تقسیم شده بود.

ج) در سال ۱۳۵۷، در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، ایران به ۲۴ استان تقسیم شد.

د) در دوره عباسیان، قلمرو جغرافیایی آن‌ها به واحدهایی تحت عنوان «ایالت» تقسیم‌بندی می‌شد که در مجموع به ۳۱ ایالت می‌رسید.

(پغرافیای ایران، تقسیمات کشوری ایران، صفه‌های ۷۷ تا ۷۹)

۱۳۰- گزینه «۳»

(فاطمه اهدری)

دهستان: کوچک‌ترین واحد تقسیمات کشوری با محدوده جغرافیایی معین که از به هم پیوستن چند روستا، مکان و مزرعه همجوار تشکیل می‌شود.

بخش: واحدی از تقسیمات کشوری که از نظر عوامل طبیعی و اوضاع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، واحد همگنی را به‌وجود آورده است و توسط بخشدار اداره می‌شود.

(پغرافیای ایران، تقسیمات کشوری ایران، صفه‌های ۷۹ و ۸۰)

فلسفه یازدهم

۱۳۱- گزینه «۱»

(فره‌ار قاسمی نژاد)

علاوه بر عقل که می‌تواند حالات درونی نفس مانند غم و شادی، درد و محبت، دشمنی، عصبانیت و خوشحالی را شناسایی کند، ابزار قلب نیز قادر است از این احوالات درونی شناخت حاصل کند. بنابراین شناخت حالات درونی نفس با دو ابزار عقل و قلب حاصل می‌شود.
تکته: «قلب» ابزار معرفتی است که از طریق آن «شناخت شهودی» حاصل می‌شود، بنابراین «شهود» ابزار معرفت نیست.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه‌های ۵۲ تا ۵۴)

۱۳۲- گزینه «۲»

(فره‌ار قاسمی نژاد)

قلمرو شناخت حسی فقط امور محسوس است.
قلمرو شناخت عقلی هم امور محسوس (شناخت تجربی که حاصل همکاری حس و عقل است) و هم امور غیرمحسوس (شناخت عقلی محض) است.
قلمرو شناخت قلبی هم فقط منحصر به امور غیرمحسوس یا محسوس نیست. در شهود قلبی هم می‌توان از هر دو قلمرو شناخت حاصل کرد.
(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه‌های ۵۱ تا ۵۴)

۱۳۳- گزینه «۳»

(فسین آفونری راهنمایی)

تشخیص رنگ قورباغه با ابزار حس (قوة بینایی) انجام شده است و اگر هم خطایی در این مورد وجود داشته باشد، تشخیص آن با همکاری عقل و حس امکان‌پذیر است و باعث سلب اعتماد از حواس نمی‌شود. یکی از نشانه‌های اعتبار شناخت حسی توانایی حس در تشخیص تفاوت‌ها و تمایزهای اشیاست. اما بخش دوم گزاره نتیجه‌گیری‌ای عقلانی است که از کنار هم گذاشتن دو مقدمه حاصل شده است:
- رنگ این قورباغه سبز یشمی است.
- سبز یشمی در محدوده بینایی چشم انسان قرار دارد.

بنابراین نمی‌توان گفت ابزار عقل دخالتی در شناخت گزاره صورت سؤال ندارد.
(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه ۵۱)

۱۳۴- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمان‌های)

شناخت‌های حسی متفاوت از اشیاء این امکان را به انسان می‌دهد که به کمک عقل خود از اشیای متفاوت استفاده‌های مختلف بکند.
(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه ۵۱)

۱۳۵- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمان‌های)

یکی از قاعده‌های عقلانی که شناخت تجربی بر آن استوار است این است: طبیعت همواره یکسان عمل می‌کند.
تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: شناخت تجربی را عقل با همکاری حس به دست می‌آورد.
گزینه «۲»: یکی از قاعده‌های عقلانی که شناخت تجربی بر آن استوار است این است: پدیده‌ها خودبه‌خود پدید نمی‌آیند، بلکه هر پدیده‌ای نیازمند علت است.
گزینه «۳»: شناخت تجربی بر چند قاعده عقلی مهم نیز استوار است و دانشمند در هنگام بررسی داده‌های حسی، آن قاعده‌ها را در نظر دارد و از آن‌ها بهره می‌برد.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه ۵۲)

۱۳۶- گزینه «۱»

رد سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: سوفسطائیان به سبب مغالطه‌هایی که می‌کردند، اصل شناخت را زیر سؤال می‌بردند.

گزینه «۳»: پارمنیدس چون برای شناخت حسی ارزش و اعتباری قائل نبود، منکر حرکت بود.

گزینه «۴»: اندیشمندان قبل از سقراط از اولین کسانی بودند که درباره شناخت انسان و ارزش و اعتبار آن سخن گفته‌اند.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۵۹ تا ۶۱)

۱۳۷- گزینه «۴»

(هواد پاکدل - فاروج)

ابتدا به صورت سؤال باید دقت کرد که اختلاف نظر را از ما خواسته است بلکه باید به وسیله حذف گزینه تفاوت‌های دکارت و بیکن را پیدا کنیم و گزینه متفاوت که به تفاوت دکارت با بیکن اشاره نمی‌کند را کشف کنیم. به این ترتیب با بررسی گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» می‌بینیم که هر سه گزینه به درستی به تفاوت دیدگاه معرفت‌شناسانه دکارت با بیکن اشاره کرده‌اند، اما گزینه «۴» به اشتراک دکارت با بیکن اشاره دارد، زیرا هر دو فیلسوف مسئله مشترکشان تعیین اعتبار و ارزش ابزارهای معرفت بوده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: از اختلافات معرفت‌شناسانه دکارت با تجربه‌گرایانی نظیر فرانسیس بیکن است.

گزینه «۲»: به دیدگاه بیکن اشاره دارد که محل اختلاف او با دکارت است.

گزینه «۳»: دکارت معتقد بود برخی از دانش‌های انسان تنها با استدلال عقلانی و بدون تجربه به دست آمده است.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۴ و ۶۵)

۱۳۸- گزینه «۴»

(امیرمهر قلعه‌کاهی)

پراگماتیست‌ها هدف شناخت خود را رسیدن به واقعیت اشیاء نمی‌دانند بلکه رسیدن به باورهای سودمند را به عنوان هدف شناخت قرار می‌دهند. در این دیدگاه صدق یک باور به معنای مطابقت آن با واقع نیست بلکه به معنای سودمندی عملی آن است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: بیکن تجربه را اصیل می‌داند و اعتقاد دارد که دنباله‌روی فیلسوفان گذشته از ارسطو و تعصبات و خرافات بیجا باعث عدم پیشرفت علوم تجربی شد.

گزینه «۲»: دکارت اعتقاد دارد که چنین معرفت‌هایی ذاتی عقل انسان است و انسان در فهم این امور نیازی به حس و تجربه ندارد و از طریق تجربه نمی‌تواند به این شناخت‌ها برسد.

گزینه «۳»: به نظر کانت قوه ادراکی انسان تصورات و مفاهیمی مانند علیت و زمان و مکان را در نزد خود دارد و معرفت حاصل همکاری حس و عقل است و ما معرفت ذاتی نداریم، بلکه تنها مفاهیم ذاتی داریم.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۴، ۶۵ و ۶۷)

۱۳۹- گزینه «۴»

(امیرمحمدر قلعه‌کاهی)

اندیشه‌ی نسبی‌گرایی بر این پایه استوار است که شناخت هر فرد از واقعیت بیرونی موجود، متناسب با ویژگی‌های خود اوست و هیچ‌گاه به‌طور مطلق نمی‌توان یک گزاره علمی را بیان کرد، بنابراین نمی‌توان دیگر گزاره‌های شناختی را به‌طور دائم رد یا تأیید کرد چراکه گزاره علمی که مطلق باشد و معیار شناخت قرار گیرد وجود ندارد.

مشکلاتی اعم از تفاوت تجربه انسان‌ها، عدم قطعیت احکام تجربی و... واقع‌نمایی دانش تجربی را با اشکال مواجه کرد و این اتفاق باعث ظهور جریان نسبی‌گرایی شد. (گزینه «۴» بیان کتاب را برعکس گفته است.)

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه ۶۶)

۱۴۰- گزینه «۱»

(علی معزی)

پراگماتیست‌ها معتقدند گرچه تنها ابزار شناخت اشیا حس و تجربه است، اما از طریق تجربه نمی‌توان به واقعیت اشیا رسید.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌های «۲» و «۳»: معیار پراگماتیست‌ها در صدق گزاره‌ها سودمندی است، پس دنبال حقیقت مطلق و ثابت نیستند.

گزینه «۴»: نظریه کانت است.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۵ و ۶۷)

منطق

۱۴۱- گزینه «۲»

(پرواز پاکدل - فاروج)

در قضیه شرطی متصل دو رکن مقدم و تالی داریم که معمولاً مقدم در ابتدای عبارت و قضیه آورده می‌شود و تالی پس از مقدم در جملات می‌آید، اما گاهی جای مقدم و تالی در عبارت‌ها عوض می‌شود، به‌خصوص در ابیات و اشعار.

در قضایای شرطی متصل موجود در همه ابیات ابتدا مقدم آمده و بعد تالی، به‌جز گزینه «۲». در این گزینه ترتیب مقدم و تالی عوض شده است: «دل عالمی بسوزی (تالی)، چو عذار بفرزوی (مقدم)». ابتدا تالی آمده است و مقدم بعد از آن قرار دارد.

رد سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: گر برسد ناله سعادتی به کوه (مقدم)، کوه بنالد به زبان صدا (تالی).

گزینه «۳»: گربه مسکین اگر پر داشتی (مقدم)، تخم گنجشک از زمین برداشتی (تالی).

گزینه «۴»: تا نگردي آشنا (مقدم)، زین پرده رمزی نشنوی (تالی).

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۱۵ و ۱۶)

۱۴۲- گزینه «۳»

(موسی سپاهی - سروان)

قیاس استثنایی به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: اتصالی و انفصالی. قیاسی که یکی از مقدمات آن «شرطی» و دیگری «حملی» باشد، می‌تواند یک قیاس استثنایی اتصالی یا انفصالی باشد. بنابراین گزینه «۳» کاملاً نادرست است.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۱۵ و ۹۰)

۱۴۳- گزینه «۴»

(مسین آفونری راهنمایی)

در این قضیه «باران ببارد» مقدم است و «من ببارم» تالی. اینکه «من ببارم» به‌صورت استعاره به کار رفته و به معنای گریستن است، خللی در شرطی بودن قضیه ایجاد نمی‌کند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: به خدا اگر این آدم وفادار باشد! ← به خدا قسم، این آدم وفادار نیست. گزینه «۲»: این آقا اگرچه پول دارد، اما خسیس است. ← با وجود اینکه این آقا پول دارد، اما خسیس است. (دو صفت به «این آقا» نسبت داده شده است و ساختار حملی دارد، نه شرطی.)

گزینه «۳»: اگر راه درست زندگی کردن و سعادت‌مند بودن این است ← می‌تواند به‌تنهایی مقدم یک قضیه شرطی متصل باشد، اما تالی ندارد و ناقص است.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۱۵ و ۱۶)

۱۴۴- گزینه «۲»

(فیروز نژادنیف - تبریز)

موجود نمی‌تواند هم حیوان باشد هم غیر جسم، اما می‌تواند نه حیوان باشد و نه غیر جسم (مثلاً جسم دیگری باشد، مانند گیاه). ← منفصل مانع‌الجمع

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: نانوا می‌تواند هم برای خود و هم برای دیگران نان بپزد، اما نمی‌تواند نه برای خود نان بپزد و نه برای دیگران. ← منفصل مانع‌الرفع

گزینه «۳»: گروه خونی او می‌تواند هم غیر A باشد هم غیر O (مثلاً B باشد)، اما نمی‌تواند هم غیر A نباشد (یعنی A باشد) و هم غیر O نباشد (یعنی O باشد). ← منفصل مانع‌الرفع

گزینه «۴»: سروش می‌تواند در آب باشد و غرق نشود، اما نمی‌تواند در آب نباشد و غرق شود. ← منفصل مانع‌الرفع

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۱۷ و ۱۸)

۱۴۵- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمانه‌ای - مشابه کنگور سراسری ۹۱)

در قضیه منفصل مانع‌الجمع محال است هر دو طرف صادق باشد. پس اگر یک طرف صادق باشد، کذب طرف دیگر حتمی است. اما اگر یک طرف آن کاذب باشد، طرف دیگر آن می‌تواند یا صادق باشد یا کاذب.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۱۷ و ۱۸)

۱۴۶- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

در همه اقسام قضیه شرطی منفصل چنانچه کلمه «یا» حذف شود دو قضیه حملی باقی می‌ماند.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۱۷ تا ۱۹ و ۹۲)

۱۴۷- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

اگر تالی عین مقدمه دوم باشد یا مقدمه دوم عین تالی باشد، مغالطه وضع تالی رخ داده است.

مثال: مقدمه اول: اگر الف آنگاه ب؛ مقدمه دوم: ب؛ نتیجه: الف (نامعتبر)

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه ۹۱)

۱۴۸- گزینه «۲»

(موسی سپاهی - سروان)

تنها گزینه‌ای که در آن ساختار استدلال با نام منطقی ذکر شده (مغالطه رفع مقدم) کاملاً منطبق است گزینه «۲» است. در این گزینه مقدم مقدمه اول رفع شده و در چنین حالتی اگر نتیجه‌گیری (نفی تالی) انجام شود مغالطه رفع مقدم ایجاد می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: استدلال از نوع «مغالطه رفع مقدم» است، اما برجسب «رفع تالی» بر آن زده شده است.

گزینه «۳»: ساختار این استدلال (نتیجه‌گیری وقوع مقدم از وقوع تالی) منطبق بر «مغالطه وضع تالی» است.

گزینه «۴»: این یک قیاس استثنایی انحصالی حقیقی است و برخلاف ادعا، هیچ مغالطه‌ای ندارد.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۹۰ تا ۹۳)

۱۴۹- گزینه «۱»

(پرگل رهیمی)

استدلال «ج» بر پایه «رفع تالی» (نفی تالی، نفی مقدم را نتیجه می‌دهد) و معتبر است.

استدلال «د» بر پایه «وضع مقدم» (اثبات مقدم، اثبات تالی را نتیجه می‌دهد) و معتبر است.

تشریح عبارات دیگر:

الف) مغالطه «وضع تالی» است؛ طبق قضیه شرطی موردنظر، از موفقیت در آزمون نمی‌توان مطالعه را نتیجه گرفت.

ب) مغالطه «رفع مقدم» است. طبق قضیه شرطی موردنظر، از عدم مطالعه نمی‌توان عدم موفقیت را نتیجه گرفت.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۹۰ و ۹۱)

۱۵۰- گزینه «۱»

(پرگل رهیمی)

در قیاس استثنایی انحصالی حقیقی، دو طرف انفصال باید مانعة‌الجمع و مانعة‌الخلو باشند؛ یعنی دقیقاً یکی از آنها برقرار است. در گزینه «۱»، با نفی اینکه «چیزی در آن هست»، تنها حالت باقی‌مانده «خالی‌بودن» است، پس نتیجه معتبر است.

در گزینه‌های دیگر رابطه انفصال برقرار نیست؛ یعنی ممکن است هر دو طرف هم‌زمان صادق یا کاذب باشند، بنابراین از نفی یکی نمی‌توان به‌طور قطعی طرف دیگر را نتیجه گرفت.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۸۷، ۸۸، ۹۲ و ۹۳)

فلسفه دوازدهم

۱۵۱- گزینه «۴»

(سبا معفرزاده صابری)

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: در اطراف ما اشیای فراوانی وجود دارند که هم «چیستی» آن‌ها را می‌شناسیم و هم از «هستی»‌شان خبر داریم.

گزینه «۲»: برخی امور وجود دارند که از «هستی»‌شان خبر داریم، اما «چیستی» آن‌ها هنوز چندان برای ما روشن نیست.

گزینه «۳»: «چیستی»‌های فراوانی را هم می‌توانیم در ذهن خود حاضر کنیم؛ درحالی‌که می‌دانیم این امور، حداقل تاکنون در خارج موجود نشده‌اند (رد گزینه‌های ۱، ۲ و ۳).

گزینه «۴»: مفاهیم معدوم که درباره چیستی آن‌ها می‌اندیشیم دست کم در ذهن ما وجود ذهنی دارند. نمی‌شود که چیزی در ذهن ما نباشد، ولی چیستی آن را بدانیم.

(فلسفه دوازدهم، هستی و چیستی، صفحه‌های ۳ و ۴)

۱۵۲- گزینه «۴»

(فرهار قاسمی نژاد)

حمل قائم‌الزاویه بر مثلث ضروری نیست. مثلث ممکن است قائم‌الزاویه باشد یا نباشد. پس این حمل غیرضروری و نیازمند دلیل است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: سه زاویه داشتن برای مثلث ضروری است، ولی این حمل ذاتی نیست و نیازمند دلیل است. در واقع مثلث چون سه‌ضلعی است، سه زاویه دارد.

گزینه «۲»: حمل سه‌ضلعی بر مثلث ضروری و بی‌نیاز از دلیل است، چون سه ضلع داشتن برای مثلث ذاتی است.

گزینه «۳»: حمل متساوی‌الساقین بر مثلث غیرضروری و نیازمند دلیل است، چون مثلث ممکن است متساوی‌الساقین باشد یا نباشد.

(فلسفه دوازدهم، هستی و چیستی و جهان ممکنات، صفحه‌های ۵، ۹ و ۱۰)

۱۵۳- گزینه «۳»

(موسی سپاهی - سروان)

یکی‌بودن ارتفاع و میانه در مثلث حالت امکانی دارد و از این جهت به بارکش بودن اسب شباهت دارد؛ زیرا اسب می‌تواند بارکش باشد یا نباشد. محمول و موضوع سایر گزینه‌ها حالت وجوبی دارند و با قضیه صورت سؤال متفاوت‌اند.

(فلسفه دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه‌های ۹ و ۱۰)

۱۵۴- گزینه «۲»

(علیرضا نصیری)

قضیه «مثلث دارای سه ضلع است.» یک قضیه وجوبی است و سه‌ضلعی بودن مثلث از ذاتیات مثلث است. اما «ممکنات موجود هستند.» یک قضیه امکانی است و ممکنات می‌توانند موجود باشند و می‌توانند نباشند. کسی که قضیه دوم را مانند قضیه اول بداند در واقع معتقد شده که موجودبودن از ذاتیات ممکنات است. زمانی که چنین چیزی را پذیرفتیم، در نتیجه هرگز هیچ ممکن‌الوجودی ناموجود نخواهد بود، چون وجود از ذاتیات آن می‌شود و سلب ذاتیات از شیء محال است. بنابراین چنین کسی نمی‌تواند با موضوعی ممکن و محمول وجود قضیه‌ای سلبی بسازد که صادق باشد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: کسی که قائل به چنین نظری باشد، در واقع در تشخیص مصادیق قضایای امکانی و وجوبی به خطا رفته است و نمی‌توان گفت که این فرد اساساً تفاوت میان قضایای سه‌گانه وجوبی و امکانی و امتناعی را منکر شده است.

گزینه «۳»: از میان برداشته‌شدن تفاوت ماهیت‌ها حاصل یکسان بودن وجود و ماهیت است نه جزءبودن وجود برای ماهیت.

گزینه «۴»: در چنین حالتی هر موجودی واجب بالذات می‌شد نه واجب بالغیر. (فلسفه دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه‌های ۹ تا ۱۲)

۱۵۵- گزینه «۳»

(نیمای پورآفری)

رابطه علیت یک رابطه مقدم و پیش از وجود است، نه رابطه‌ای فرع و قائم بر وجود. معلول پیش از رابطه علیت موجود نیست و پس از این رابطه موجود می‌شود. پس نمی‌توان گفت که یک علتی وجود دارد و یک معلولی، و سپس بین آن‌ها رابطه علیت برقرار می‌شود.

تکته: رابطه علیت تنها رابطه‌ای نیست که با تجربه کشف نمی‌شود و غیر تجربی و عقلانی است (رد گزینه «۲»).

(فلسفه دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

۱۵۶- گزینه ۱»

(نیمه پوهاری)

علت چیزی است که به معلول وجوب وجود می‌دهد و وجود معلول متوقف بر وجود آن است؛ یعنی تا علت نباشد، معلول هم پدید نمی‌آید. معلول نیز چیزی است که وجودش را از چیزی دیگر که همان علت است می‌گیرد؛ یعنی در وجود خود، نیازمند دیگری است. پس رابطه علیت رابطه‌ای وجودی است که در آن، یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود می‌دهد. توجه داشته باشیم که رابطه علیت، رابطه‌ای وجودی است؛ یعنی وجود یکی ضرورتاً وابسته به وجود دیگری است؛ یعنی مانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دو فرد فرض می‌شود و سپس میان آن‌ها دوستی برقرار می‌گردد. (یک طرف رابطه علت است و طرف دیگر خود رابطه وجودبخشی).

(فلسفۀ دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه ۱۴)

۱۵۷- گزینه ۴»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

رابطه علیت یک رابطه وجودی است و وجود معلول وابسته به وجود علت است و ماهیت علت در آن مطرح نیست.

(فلسفۀ دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه ۱۴)

۱۵۸- گزینه ۳»

(نیمه پوهاری)

هیوم می‌گوید، بر اثر تکرار مشاهده طلوع خورشید و روشن شدن زمین، در ذهن ما چنین منعکس می‌شود که خورشید «علت» روشن شدن زمین است. او این حالت ذهنی را «تداعی» می‌نامد و می‌گوید تداعی چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی و پشت سرهم آمدن پدیده‌ها نیست. از این طریق است که ما پنداشته‌ایم یک رابطه ضروری میان طلوع خورشید و روشن شدن زمین برقرار است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: از نظر دکارت علیت جزء معرفت‌های اولیه‌ای است که انسان آن را به طور ذاتی درک می‌کند؛ یعنی هر انسانی، با درکی از رابطه علیت متولد می‌شود و درک این رابطه نیاز به تجربه و یا استدلال عقلانی ندارد.

گزینه ۲: تجربه‌گرایان جز هیوم معتقدند که انسان از طریق حس، توالی یا هم‌زمانی پدیده‌ها را مشاهده و رابطه علیت را درک می‌کند. اما هیوم که از تجربه‌گرایان است چنین نظری ندارد و می‌گوید رابطه ضروری میان علت و معلول موضوعی حسی نیست و از طریق حس نمی‌توان به آن رسید.

گزینه ۴: تجربه‌گرایان می‌گویند که مثلاً چون زمین همواره با آمدن خورشید، روشن می‌شود و با ناپدید شدن آن، تاریک می‌گردد، انسان متوجه رابطه‌ای میان این دو پدیده شده و دانسته که تا خورشید نیاید، زمین هم روشن نمی‌شود، یعنی یک رابطه ضروری میان طلوع خورشید و روشن شدن زمین یافته است. (پس خود انسان آن را ضروری می‌پندارد)

(فلسفۀ دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

۱۵۹- گزینه ۴»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

این دیدگاه مربوط به فلاسفۀ تجربه‌گرا است. فرانسویس بیکن هم نماینده اصلی این جریان در اروپا بود.

(فلسفۀ دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه ۱۶)

۱۶۰- گزینه ۲»

(نیمه پوهاری)

دکارت معتقد بود که اصل علیت بدون دخالت تجربه به دست می‌آید و جزء اصول اولیه‌ای است که انسان آن را به طور فطری درک می‌کند. اما از نظر هیوم ما در اثر عادت ذهنی ناشی از تعاقب و پی‌درپی بودن حوادث به مفهوم علیت در ذهن خود می‌رسیم. این سخن هیوم با نظر فیلسوفان مسلمان نیز تقابل دارد که درک ما از علیت را ناشی از درک عقل بر مبنای اصول بدیهی نظیر امتناع اجتماع نقیضین می‌دانند.

از نظر فیلسوفان مسلمان عقل به اصل علیت و فروع آن (نظیر وجوب علی و معلولی) حکم می‌کند؛ اما هیوم که درک ما از علیت را ناشی از عادت ذهنی می‌داند به وجود رابطه ضروری و همیشگی بین موجودات قائل نیست و حکم‌دادن به وجود آن را یقینی نمی‌داند؛ بلکه رابطه علیت را صرفاً یک قرارداد و عادت ذهنی می‌داند.

این که نشانی از اصل علیت در حس و تجربه یافت نمی‌شود، سخنی است که هم دکارت و هم هیوم و هم فلاسفۀ مسلمان نظیر ابن‌سینا آن را قبول دارند و در این مورد اختلاف‌نظری ندارند.

نه فلاسفۀ مسلمان نه هیوم (و نه حتی دکارت) حکم به مصادیق علیت را کار عقل محض (عقل به‌تنهایی) نمی‌دانند. از نظر فیلسوفان مسلمان حس و تجربه و از نظر دکارت نیز تجربه و آموزش در آن دخیل است و هیوم نیز آن را ناشی از عادت ذهنی و تجربه ما می‌داند.

(فلسفۀ دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۶ تا ۱۸)

اقتصاد

۱۶۱- گزینه ۴»

(مهری کلاردان)

ایران به دلیل وسعت و پهناوری جغرافیایی، برخورداری از منابع طبیعی و قرار گرفتن در چهارراه بین‌المللی، از دوران باستان جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد جهان داشته است.

(اقتصاد، مقاومت‌سازی اقتصاد، صفحه ۱۰۷)

۱۶۲- گزینه ۴»

(امسان عالی‌نژاد)

تشریح عبارت‌های نادرست:

الف) در دوران حکومت قاجار، اقدامات محدود مذهبی و ملی، مثل تأسیس دارالفنون و برقراری نظم مالی و اداری توسط امیرکبیر، تأسیس شرکت اسلامی و تحریم کالاهای خارجی توسط علمای اصفهان، تحریم تنباکو و لغو قرارداد رژی و بیانیه‌هایی در حمایت از تولید ملی، متأسفانه چندان اثربخش نبود.

پ) در دوران حکومت قاجار، ازدست دادن بخش‌های مهمی از سرزمین و منابع ایران، هزینه‌های شکست در جنگ، عهدنامه‌های ننگین و مبالغه جریمه‌های گزاف آنها، بی‌توجهی به سرمایه‌های انسانی و اجتماعی، سیاست‌های رکودی و انقباضی، نبودن برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری اقتصادی، اعطای امتیازها به شرکت‌ها و کشورهای استعماری، تأسیس بانک‌های روسی و انگلیسی و سیل ورود کالاهای خارجی، آسیب‌های توان‌فرسایی بر اقتصاد ایران وارد کرد.

(اقتصاد، مقاومت‌سازی اقتصاد، صفحه‌های ۱۰۸ و ۱۰۹)

۱۶۳- گزینه ۲»

(فارج از کشور ۱۴۰۳)

برای عبور از مشکلات اقتصادی و آسیب‌هایی که در دوران کنونی، اقتصاد ملی ما را تهدید می‌کند، مقاومت‌سازی اقتصاد و مصونیت‌بخشی به آن در برابر فشارها و تکان‌های خارجی، ضروری است. اقتصاددانان با اصطلاحاتی مانند «ثبات اقتصادی»، «استحکام اقتصادی»، «تاب‌آوری اقتصاد» و «پایداری»، بر مقاومت‌سازی اقتصادی تأکید می‌کنند. مقاومت‌سازی اقتصادی به معنای آن است که مجموع نیروهای مولد، شرکت‌ها، مؤسسات تولیدی و خدماتی یک کشور، روی پای خود بایستند تا بتوانند در صورت به‌وجود آمدن بحران، تمامی نیازهای اساسی و حیاتی‌شان را خودشان تولید و تأمین کنند و وابسته به بیگانگان نباشند.

(اقتصاد، مقاومت‌سازی اقتصاد، صفحه ۱۱۱)

$$= \frac{2}{3} \times 7,500 = 5,000 \text{ میلیون ریال}$$

$$15,000 + 250,000 + 7,500 + 5,000 = 277,500 \text{ میلیون ریال}$$

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۰ و ۱۲۱)

۱۶۸- گزینه ۱

(مهری ضیائی)

نسبت سهم دهک دهم به سهم دهک اول را در هر کشور محاسبه می‌کنیم:

سال	شاخص دهک‌ها در کشور «الف»	شاخص دهک‌ها در کشور «ب»
۱۴۰۱	$\frac{24}{3} = 8$	$\frac{24}{4} = 6$
۱۴۰۲	$\frac{24}{4} = 6$	$\frac{25}{5} = 5$
۱۴۰۳	$\frac{25}{5} = 5$	$\frac{24}{6} = 4$

هرچه این نسبت کمتر باشد، توزیع درآمد عادلانه‌تر است.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه ۱: درست است؛ شاخص دهک‌ها در هر دو کشور روند کاهشی دارد، بنابراین توزیع درآمد در هر دو کشور عادلانه‌تر شده است.

گزینه ۲: نادرست است؛ در سال ۱۴۰۲ شاخص دهک‌ها در کشور «الف» برابر با ۶ و شاخص دهک‌ها در کشور «ب» برابر با ۵ است، بنابراین وضعیت توزیع درآمد در کشور «ب» عادلانه‌تر است.

گزینه ۳: نادرست است؛ شاخص دهک‌ها در کشور «ب» در سال ۱۴۰۱ برابر با ۶ و در سال ۱۴۰۳ برابر با ۴ است، بنابراین شاخص دهک‌ها از ۶ به ۴ کاهش یافته است، پس توزیع درآمد عادلانه‌تر شده است.

گزینه ۴: نادرست است؛ در سال ۱۴۰۱ شاخص دهک‌ها در کشور «الف» برابر با ۸ و شاخص دهک‌ها در کشور «ب» برابر با ۶ است، بنابراین توزیع درآمد در کشور «الف» ناعادلانه‌تر است.

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۴ و ۱۲۵)

۱۶۹- گزینه ۲

(مهری ضیائی)

تولید ناخالص داخلی (GDP)، ارزش کالاها و خدمات نهایی تولیدشده در داخل مرزهای جغرافیایی یک کشور است. بنابراین، در محاسبه GDP محل تولید کالا یا خدمت ملاک است، نه تابعیت فرد یا بنگاه تولیدکننده. در این سؤال، مهندس ایرانی در کشور ترکیه مشغول ساخت پل است؛ بنابراین خدمت او در داخل مرزهای ترکیه است و دستمزد حاصل از آن در تولید ناخالص داخلی ترکیه (نه ایران) محاسبه می‌شود.

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۰ و ۱۲۱)

۱۷۰- گزینه ۴

(مهم‌ترین متولی)

یک منشأ رشد اقتصادی افزایش در منابع است؛ برای مثال، اگر جمعیت در طول زمان رشد کند، به‌طور کلی عرضه نیروی کار هم افزایش می‌یابد. سرمایه‌های فیزیکی کشور می‌تواند با سرمایه‌گذاری در کارخانه‌ها، ساختمان‌ها، ادارات، ماشین‌آلات و مغازه‌ها افزایش یابد. سرمایه انسانی با آموزش افزایش می‌یابد. با منابع در دسترس بیشتر، یک کشور می‌تواند کالا و خدمات بیشتری تولید کند.

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه ۱۱۸)

۱۶۴- گزینه ۲

(کتاب آبی پیمان‌های - قارج از کشور ۱۳۰۲)

الف) با حرکت بر روی منحنی مرز امکانات تولید به سمت راست و با شیب منفی (حرکت از سمت نقطه «الف» به سمت نقطه «و») تولید کالای A کاهش و تولید کالای B افزایش می‌یابد.

ب) هر عاملی که میزان منابع تولید یک کارخانه را افزایش دهد؛ مانند افزایش مواد اولیه، افزایش نیروی کار استخدامی، افزایش سرمایه‌های فیزیکی (ماشین‌آلات و ...) و سرمایه‌های مالی و یا پیدایش یک تکنولوژی و پیشرفت که امکان تولید بیشتر کالاها و خدمات را فراهم می‌آورد، منجر به انتقال منحنی مرز امکانات تولید به خارج و منجر به رشد اقتصادی می‌شود.

(اقتصاد، ترکیبی، صفحه‌های ۴۰، ۴۱ و ۱۱۹)

۱۶۵- گزینه ۳

(مهری ضیائی)

در محاسبه تولید ناخالص داخلی (GDP)، تنها ارزش کالاها و خدمات نهایی محاسبه می‌شود. پارچه‌ای که کارخانه نساجی به شرکت تولید پوشاک می‌فروشد، یک کالای واسطه‌ای است؛ زیرا در تولید کالای دیگری (پوشاک) به کار می‌رود. بنابراین اگر هم ارزش پارچه و هم ارزش پوشاک نهایی به طور جداگانه در تولید ناخالص داخلی محاسبه شوند، ارزش پارچه دو بار در محاسبات وارد شده و خطای محاسبه مجدد رخ می‌دهد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: دستمزد برنامه‌نویس، درآمد حاصل از ارائه خدمت است و در محاسبه تولید ناخالص داخلی تنها یک‌بار منظور می‌شود.

گزینه ۲: پرداخت حقوق پزشکان و کارکنان بیمارستان، بخشی از ارزش خدمات درمانی محسوب می‌شود و به‌خودی‌خود موجب خطای محاسبه مجدد نمی‌شود.

گزینه ۴: سبب مستقیماً به مصرف‌کننده نهایی فروخته می‌شود؛ بنابراین کالای نهایی است و خطای محاسبه مجدد ایجاد نمی‌کند.

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۰ و ۱۲۱)

۱۶۶- گزینه ۱

(مهری ضیائی)

تولید ناخالص داخلی واقعی در سال ۱۴۰۳:

$$GDP = (800 \times 250) + (1500 \times 500)$$

$$= 200,000 + 750,000 = 950,000 \text{ میلیون ریال}$$

تولید ناخالص داخلی اسمی در سال ۱۴۰۳:

$$GDP = (1000 \times 250) + (1800 \times 500)$$

$$= 250,000 + 900,000 = 1,150,000 \text{ میلیون ریال}$$

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۲ و ۱۲۳)

۱۶۷- گزینه ۴

(سارا شریفی)

$$= 500 \times 30,000,000$$

$$= 15,000,000,000 \text{ ریال} = 15,000 \text{ میلیون ریال}$$

$$= 5,000 \times 50,000,000$$

$$= 250,000,000,000 \text{ ریال} = 250,000 \text{ میلیون ریال}$$

$$= 15,000 \times 500,000$$

$$= 7,500,000,000 \text{ ریال} = 7,500 \text{ میلیون ریال}$$

$$= \frac{2}{3} \times (\text{ارزش پوشاک}) = \text{ارزش خدمات ارائه‌شده}$$

پاسخنامه

دوازدهم علوم و معارف اسلامی

۱۳ شهریور ماه ۱۴۰۵

ایران تونل
بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ - بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام)

۰۲۱-۶۴۶۳

عربی زبان قرآن (۲)

۱۷۱- گزینه «۴»

(مصطفی قدیمی‌فر)

«آمَنُوا»: (فعل ماضی) ایمان آوردند (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «لَمْ يُفَرِّقُوا»: (ماضی منفی) جدایی نینداختند (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ»: به آن‌ها خواهد داد (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «أَجُورَ»: (جمع «أَجْر»)
(رد گزینه ۲)

(ترجمه)

۱۷۲- گزینه «۳»

(امیرعلی خردین - کنگرکاووس)

«كَانَ أَبُوكَ أَجُودَ النَّاسِ»: پدرت بخشنده‌ترین مردم بود (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «يَفْكُ الْأَسِيرَ»: (در این‌جا) اسیر را آزاد می‌کرد (رد گزینه ۴) / «لَوْ جَهِ اللَّهُ»: برای خشنودی خدا (رد گزینه ۴) / «يُفَرِّجُ عَنِ الْمَكْرُوبِ»: (در این‌جا) اندوه غمگین را برطرف می‌نمود (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «قَلْبٍ»: قلبی (رد گزینه ۲) / «يَبْعَثُ الْأَمَلَ»: (در این‌جا) امید را برمی‌انگیزد (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «فِي نَفُوسِ الْيَاسِينِ»: در جان‌های افراد ناامید (رد گزینه‌های ۱ و ۲)
(ترجمه)

۱۷۳- گزینه «۴»

(ابوطالب درانی)

ترجمه صحیح عبارت گزینه «۴»: «ای پسرک من؛ هیچ‌گاه ظلم نکن همانطور که دوست نداری به تو ظلم شود!»

(ترجمه)

۱۷۴- گزینه «۴»

(محمدمهری یعقوبی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «أَلْتَفِتَ» فعل مجهول است؛ در حالی که به صورت معلوم ترجمه شده است. (ترجمه درست عبارت: کودکی را دیدم که هر بار شروع به سدازدن مادرش می‌کرد، به او توجه می‌شدا)
گزینه «۲»: «لَمْ أَسْتَطِعْ» به معنای «نتوانستم» و «الْخَائِبُ» به معنای «ناامید» است.

گزینه «۳»: «غُيِّبَ» جمع است اما در این‌جا مفرد ترجمه شده است.

(ترجمه)

۱۷۵- گزینه «۱»

(سید محمدرضا مرقسوی)

«به خدا پناه می‌برم»: أَعُوذُ بِاللَّهِ (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «سود نمی‌رساند»: لَا يَنْفَعُ (رد گزینه ۲) / «شنیده نمی‌شود»: (فعل مضارع مجهول) لَا يُسْمَعُ (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

(تعریب)

۱۷۶- گزینه «۲»

(محمدرضا سوری - نهاوند)

ترجمه عبارت صورت سؤال: راستگو با صداقتش به چیزی می‌رسد که دروغگو با فریبکاری‌اش به آن نمی‌رسد!

ابیات گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴» با عبارت عربی داده شده هم‌مفهوم هستند، اما مفهوم بیت گزینه «۲» این است که فرد دروغگو هرچند سعی کند دروغ خود را بپوشاند، اما عاقبت حقیقت آشکار می‌گردد.

(مفهوم)

۱۷۷- گزینه «۲»

(مرتضی کاظم شیروری)

«لَا يُطْعِمُ» فعل نهی غایب است؛ حرکت کسره در انتهای فعل، به دلیل وجود «ال» در «المساكين» است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «الْمُسْلِمُ» مبتدا و خبر آن فعل «لَا يُطْعِمُ» است؛ دقت کنید در این عبارت، «الصَّالِحُ» صفت است.

گزینه «۳»: «الْمَسَاكِينُ» مفعول و منصوب به حرکت فتحه است، زیرا در این‌جا با جمع مکسر مواجهیم و «ین» نشانه جمع مذکر سالم نیست.

گزینه «۴»: فعل «لَا يَأْكُلُ» معلوم است نه مجهول؛ در فعل مضارع مجهول، حروف مضارعه در ابتدای فعل، همواره با حرکت ضمه ظاهر می‌شوند.

نکته مهم درسی:

هرگاه پس از ساکن، اسم «ال» دار بیاید، ساکن تبدیل به کسره (ب) می‌شود.

(تفلیل صرفی و اعراب)

۱۷۸- گزینه «۴»

(رضا معصومی)

در گزینه «۴»، «القلب» اسم إنَّ و «یموت» خبر آن است.

(تفلیل صرفی و اعراب)

۱۷۹- گزینه «۳»

(کتاب تاک - کنگور انسانی ۱۴۰۱)

صورت سؤال، گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن، یک اسم با علامت «الف» مرفوع شده باشد؛ می‌دانیم اسم‌های مثنی با علامت «الف» مرفوع می‌شوند. در گزینه «۳»، «مُفِيدَان» اسمی مثنی است که خبر إنَّ (از حروف مشبّهة بالفعل) واقع شده و مرفوع با علامت «الف» است.

دقت کنید در سایر گزینه‌ها «أَسْنَان»، «أَطْنَان» و «أُوزَان» هیچ‌کدام مثنی نیستند، بلکه جمع مکسرند و «ان» جزئی از خود کلمه است.

(مرفوع مشبّهة بالفعل)

۱۸۰- گزینه ۳»

(عمیدرضا قائنر امینی - اصفهان)

در گزینه ۳، حرف «ل» در «لِنَذْهَبْ» از نوع «لِ-امر» به معنای «باید» است: «باید به مدائن برویم تا آرامگاه صحابی گران قدر، سلمان فارسی را زیارت کنیم!»؛ در حالی که در سایر گزینه‌ها حرف «ل» در «لِیُکْمِلَ، لِیُعَاقِبَ، لِیَتَخَلَّصَ» از نوع «لِ-ناصبه» به معنای «برای اینکه، تا» است.

نکات مهم درسی:

«لِ+ فعل مضارع» ممکن است به صورت «باید + مضارع التزامی» (لام امر) یا به صورت «تا + مضارع التزامی» (لام ناصبه) ترجمه شود؛ راه تشخیص درست این موضوع، توجه به فعل درون جمله و معنای کلی جمله است.

ترجمه سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «برای اینکه حامد تحصیل خود را کامل کند، خانواده‌اش او را به تهران فرستاد و به حمایت از او پرداخت!»
گزینه ۲: «برای اینکه برادر بزرگترم، دشنامگوی نادانش را کیفر کند، در برابر او دم فرو می‌بندد و او را خوارشده رها می‌کند!»
گزینه ۴: «برای اینکه جوان پُرگناه از بدی گناهانش رهایی یابد، به نصیحت فرد دانایی عمل کرد!»

(قواعد فعل مضارع)

عربی زبان قرآن (۱)

۱۸۱- گزینه ۲»

(امیرعلی فردین - کنگر کاووس)

«هو اُنْشَأُکُمْ»: او شما را پدید آورد (رد گزینه‌های ۳ و ۴) «اَسْتَعْمَرُکُمْ فِیْهَا»: «اَسْتَعْمَرُ» فعل ماضی غایب و ضمیر «کُمْ» مفعول آن است (خواستار آباد کردن آن از شما شد (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

(ترجمه)

۱۸۲- گزینه ۴»

(محمدرضا سوری - نهاوند)

«مَسَافِرُو فُنْدُقِنَا»: «مَسَافِرُونَ» بوده که نون به خاطر مضاف شدن، حذف شده است) مسافران هتل‌مان (رد گزینه‌های ۱ و ۲) «کَانَ ... یُرِیدُونَ»: ماضی استمراری می‌خواستند (رد سایر گزینه‌ها) «أَنْ یَسْتَلِمُوا»: دریافت کنند (رد سایر گزینه‌ها) / «الْأَدْوِیَّة»: (جمع «الدواء») داروها (رد گزینه ۲) / «الْوَصَفَات»: (جمع) نسخه‌ها (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «الْصِیدَلِی»: داروخانه‌دار / «لَا یَسْمَحُ»:

اجازه نمی‌دهد (رد گزینه‌های ۱ و ۲) «أَنْ أَعْطِیکُمْ»: به شما بدهم (رد سایر گزینه‌ها) / «الْحُبُوبُ الْمُهْدِئَةُ»: قرص‌های آرامبخش (رد گزینه ۱)
(ترجمه)

۱۸۳- گزینه ۱»

(کتاب تاک - کنکور فارغ از کشور انسانی ۹۸)

«إِنْ کَانَ»: اگر باشد (رد سایر گزینه‌ها) / «بِئْسَ النَّفْطُ»: چاه نفت / «فِی الطَّبَقَاتِ الصَّخْرِیَّةِ»: در طبقه‌های سنگی (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «یَسْتَغْرِقُ»: می‌گیرد (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «اِسْتِخْرَاجُهُ»: استخراج آن (استخراجش) (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «وَقْتُاً طَوِیلاً»: وقت زیادی (رد گزینه ۳)

(ترجمه)

۱۸۴- گزینه ۱»

(کلامران عبداللہی - کوه‌رشت)

«مَنَاطِقٌ مُّخْتَلِفَةٌ»: (موصوف و صفت نکره) مناطق گوناگونی
«تَقَعُ»: (فعل مضارع) قرار دارند

(ترجمه)

۱۸۵- گزینه ۴»

(عمیدرضا قائنر امینی - اصفهان)

«هزاران»: آلف (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «کشور عزیزمان»: بلادنا العزیزة (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «می‌بینیم»: نَرَى، نَشاہِدُ (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «ناگزیر هستیم»: لَایْذُنَا (رد سایر گزینه‌ها) / «برای جذب»: لِجَذْبِ (رد گزینه ۱) / «گردشگران»: السَّائِحِینَ (رد گزینه ۲) / «الأجانب» در گزینه ۳ اضافی است و معادل فارسی آن در متن وجود ندارد (رد گزینه ۳).

(تعریب)

۱۸۶- گزینه ۲»

(مصطفی قریمی‌فرد)

در گزینه ۲، شاعر به همان مفهوم عبارت عربی صورت سؤال (عقل سالم در بدن سالم است!) اشاره کرده است. سایر گزینه‌ها چنین مفهومی را دربر ندارند.

(مفهوم)

۱۸۷- گزینه ۲»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «السَّائِحِينَ» (به صورت اسم فاعل) و «العَالَمِ» (به معنای «جهان») صحیح است.

گزینه ۳: «يَسْتَخْرِجُ» صحیح است. (جمله دارای فاعل و مفعول است پس فعل نباید به صورت مجهول نوشته شود!)

گزینه ۴: «تَحْذَرُ» (به صورت مضارع معلوم) و «الْمُؤَاطِنِينَ» (به صورت اسم فاعل) صحیح است.

(شبهت حرکات)

۱۸۸- گزینه ۴»

(مفرد مفعول یقوی)

ترجمه گزینه ۴: «هیچ شکی نیست که خداوند کسی را که به مردم رحم می کند، می بخشد!» در این جمله، «مَنْ» مفعول است و می دانیم که اسم های موصول (اعم از «ما» و «مَنْ») جزء اسم های مبنی هستند.

تکات مهم درسی:

در زبان عربی اکثر اسم ها معرب اند؛ پس چنانچه اسمی جزء مبنی ها (موصولات، اسم های اشاره، ضمائر، کلمات پرسشی) نبود، آن را یک اسم معرب در نظر بگیرید.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «الْمُتَوَاضِعِينَ» مفعول جمله است، اما معرب می باشد.

گزینه ۲: مفعول جمله «عیوب» است، اما معرب می باشد. (دقت کنید ضمیر «کَمْ» که به آن چسبیده، نقش مضاف الیه را دارد.)

گزینه ۳: مفعول جمله «کَهِفَ» است، اما معرب می باشد.

(انواع اعراب)

۱۸۹- گزینه ۳»

(کتاب تاک - کُلُّور انسانی ۱۴۰۰)

صورت سؤال، گزینه صحیح را در ساخت فعل مجهول می خواهد؛ به ترجمه عبارت دقت کنید: «مردم نفت را در صنعت به کار گرفتند و زمین با زیاده رویشان در استفاده از آن، از سلامتی دور شد، و در این هنگام، محیط زیست را تهدید می کنند و زندگی در معرض مرگ قرار می گیرد.» گزینه ها را یکی یکی بررسی می کنیم:

گزینه ۱: هنگام ساخت جمله مجهول، فاعل فعل معلوم باید حذف شود، «النَّاسُ» فاعل فعل «استخدم» بوده است که حذف نشده است. (نادرست)

گزینه ۲: فعل مجهول، تنها از فعل های متعدی (دارای مفعول) ساخته می شود. «ابتعدت» دور شد فعلی لازم و بدون مفعول است، پس نمی توان از آن فعل مجهول ساخت. (نادرست)

گزینه ۳: «يَهْدُونَ» فعلی متعدی است، «البیئة» هم مفعول آن است، پس می توانیم آن را به صورت «تَهْدُونَ» مجهول کنیم و «البیئة» نیز به عنوان نائب فاعل آن، مرفوع می شود. (صحیح)

گزینه ۴: مشابه گزینه ۲، از آنجایی که «تتعرض» از باب تفعّل و لازم است و بدون مفعول هم آمده است، نمی تواند تبدیل به مجهول شود. (نادرست).

(فعل مجهول)

۱۹۰- گزینه ۱»

(مرتفی کاظم شیروری)

صورت سؤال فعلی را می خواهد که هم می تواند مجهول خوانده شود و هم معلوم. فعل «أخبر» هم می تواند مجهول خوانده شود و هم معلوم. اگر فعل معلوم باشد، مضارع اول شخص است (از قبل به این دانش آموز خبر می دهم که فردا یک امتحان داریم!) و اگر مجهول باشد، فعل ماضی غایب است (از قبل به این دانش آموز خبر داده شد که فردا یک امتحان داریم!)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: فعل «يُعْطَى» فقط می تواند معلوم باشد، زیرا «اللَّهُ» فاعل آن است: خداوند از نعمت هایش بیشتر به کسی می دهد که شکرگزاری اش در زندگی بیشتر است!

گزینه ۳: فعل «تُوجَدُ» با توجه به حرکاتش، مجهول است و دیگر نمی توان آن را به صورت فعل معلوم خواند.

گزینه ۴: «عِلْمُنَا» و «يَصْنَعُونَ» معلوم هستند. ترجمه: دانستیم که صنعتگران از نفت، فرآورده هایی مانند عطرها می سازند!

(فعل مجهول)

عربی، زبان قرآن (۳)

۱۹۱- گزینه ۱»

(کتاب آبی پیمانه ای)

«تكون» باشیم (رد گزینه ۳) / «تُقَاد» ناقدان (رد گزینه ۴: «از» اضافی است) / «لا نَأْخُذُ»: نمی گیریم (رد گزینه ۴: «نباید بگیریم» نادرست است؛ «لا نَأْخُذُ» فعل مضارع منفی است نه نهی) / «كلّ ما»: هر چه (رد گزینه ۲: «كل» ترجمه نشده است) / «نَسْمَعُ»: می شنویم (رد گزینه ۳: «نتفكر»: تفکر می کنیم (رد گزینه ۴: همراه «باید» و به صورت فعل امر ترجمه شده است). در گزینه ۲، «حتی» و در گزینه ۴، «بلکه» اضافی هستند.

(ترجمه)

۱۹۲- گزینه ۲»

(سیر ممرعلی مرتضوی)

«لعلّ»: شاید، امید است / «یشتری»: (بعد از لعلّ: مضارع التزامی) بخرد (رد گزینه ۴) / «هذه البضائع»: این کالاها (رد گزینه های ۱ و ۴) / «عبر»: از طریق، از راه / «لأنّ»: زیرا، چون / «الأسعار»: قیمت ها (رد گزینه های ۱ و ۳) / «أرخص»: ارزانتر / «المتجر»: مغازه (رد گزینه های ۱ و ۳)

(ترجمه)

۱۹۳- گزینه ۴»

(مفرد صارق مفسدی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «... که خداوند بر هر چیزی ...»

گزینه ۲: «... زیرا بلیت هواپیما ...»

گزینه ۳: «... اهل علم زنده اند حتی اگر بمیرند!»

(ترجمه)

۱۹۴- گزینه «۳»

(مفهر صبارق مفسنی)

«ای کاش»: یا لیت (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «مردم»: الناس / «بدی‌ها»: السَّيِّئَات (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «ترک کنند»: یتَرکونَ (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «همان‌طور»: کما (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «خدا آنان را بدان دستور داد»: أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ (رد گزینه‌های ۱ و ۲)
در ترجمه دقت کنید که:

(۱) لیت + فعل مضارع = مضارع التزامی

(۲) لیت + فعل ماضی = ماضی استمراری یا ماضی بعید

(تعریب)

۱۹۵- گزینه «۴»

(سیر مفهر علی مرتضوی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «مبتدأ و مرفوع» نادرست است. «اسم إنَّ (از حروف مشبهة بالفعل) و منصوب» صحیح است.

گزینه «۲»: «فاعله: «الَّذِينَ» نادرست است. «الَّذِينَ» نقش مفعول را دارد.

گزینه «۳»: «جمع تکسیر ...» نادرست است. «سَبِيل» مفرد است و جمع مکسر آن، «سُبُل» است.

(تلیل صرفی و اعراب)

۱۹۶- گزینه «۴»

(سیر مفهر علی مرتضوی)

در گزینه «۱»: تُبَاغ (مضارع مجهول فعل معتل اجوف)، در گزینه «۲»: نُهَى (ماضی مجهول فعل معتل ناقص) و در گزینه «۳»: يُوهَب (مضارع مجهول فعل معتل مثال) صحیح است.

(قواعد فعل)

۱۹۷- گزینه «۳»

(درویشعلی ابراهیمی)

فعل «يُعْمَلْنَ» جمع مؤنث و «أحدى عشرة» عدد مرکب و «ما» اسم موصول و «أنزل» فعل امر حاضر است، همگی کلماتی مبنی هستند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «أربع، كلّ» معرب‌اند.

گزینه «۲»: «أى، أعطى، لاتبیع» معرب‌اند.

گزینه «۴»: «أضيف، الياء» معرب‌اند.

(قواعد اسم)

۱۹۸- گزینه «۲»

(سیر مفهر علی مرتضوی)

در گزینه «۲»، «السمّاء» صحیح الآخر است. در گزینه «۱»، «صغرى» مقصور است. در گزینه «۳»، «ولد - حياء» صحیح الآخر هستند و در گزینه «۴»، «زرقاء» ممدود است.

(قواعد اسم)

۱۹۹- گزینه «۳»

(روح الله گلشن)

«انفتحت» فعل ماضی از باب «انفعال» است که سه حرف اصلی آن «ف ت ح» می‌باشد؛ بنابراین حرف «نون» در آن زائد و اضافی است. سه حرف اصلی سایر فعل‌ها به ترتیب: «ن ظ ر»، «ن ق ل» و «ن ش ر» است که «نون» از حروف اصلی آن‌ها به شمار می‌آید و زائد نیست.

(قواعد فعل)

۲۰۰- گزینه «۲»

(سیره مفیه مؤمنی)

فعل «يَمْنَع» ثلاثی مجرد است.

در سایر گزینه‌ها، افعال ثلاثی مزید و از باب «إفعال» هستند.

(قواعد فعل)

تاریخ اسلام (۱)

(میلاد هوشیار)

۲۰۶- گزینه ۲»

والی بصره در هنگام نزدیکی فتنه‌جویان به نزدیکی بصره، عثمان بن حنیف بود که توسط امام علی (ع) نصب شده بود.

(تاریخ اسلام (۱)، خلافت امام علی (ع)، صفحه ۹۳)

(میلاد هوشیار)

۲۰۷- گزینه ۱»

خوارج در ادامه رفتار ناشایسته خود با امام علی (ع)، به قتل یکی از یاران امام به نام عبدالله بن خباب بن ارت و همسر باردارش و سه زن دیگر که همراه آنان بودند، اقدام کردند. از این‌رو، امام (ع) که پس از شکست حکمیت و خیانت عمروعاص با سپاهش عازم جنگ با معاویه بود، نخست به سوی محل تجمع خوارج در نهروان رفت و به آنان پیغام داد که کشندگان یارانش را تحویل دهند اما آنان پاسخ دادند که همه ما قاتل آن‌ها هستیم.

(تاریخ اسلام (۱)، خلافت امام علی (ع)، صفحه ۹۸)

(علیرضا رضایی)

۲۰۸- گزینه ۴»

امام حسن (ع) برای انتقال شروط پذیرش بیعت با معاویه، عبدالله بن نوفل را نزد وی فرستاد.

(تاریخ اسلام (۱)، صلح حسنی و حکومت اموی، صفحه ۱۰۲)

(میلاد هوشیار)

۲۰۹- گزینه ۲»

معاویه ضمن پخش شایعه درخواست صلح از سوی امام حسن (ع)، به عبدالله بن عباس فرمانده سپاه نیز پیغام داد که در صورت ملحق شدن به معاویه، یک میلیون درهم دریافت خواهد کرد؛ متأسفانه عبدالله نیز فریب خورد و شبانه به معاویه پیوست. این موجب شد قریب به دو سوم سپاه عراق به معاویه بپیوندند و تنها چهارهزار نفر باقی ماندند و فرماندهی آنان را قیس بن سعد عهده‌دار شد.

(تاریخ اسلام (۱)، صلح حسنی و حکومت اموی، صفحه ۱۰۲)

(میلاد هوشیار)

۲۱۰- گزینه ۲»

معاویه از آنجا که کینه شدیدی نسبت به امام علی (ع) در دل داشت، حدیث‌سازی را به خدمت گرفت تا روایات دروغین بر ضد اهل بیت (ع) و به سود دشمنان ایشان جعل کنند.

(تاریخ اسلام (۱)، صلح حسنی و حکومت اموی، صفحه ۱۰۳)

تاریخ اسلام (۲)

۲۰۱- گزینه ۱»

(زهره دامپار)

مغول‌ها تا پیش از آنکه مسلمان شوند، بر پایه مجموعه قوانینی موسوم به «یاسا» عمل می‌کردند و دعای حقوقی آن‌ها در دادگاهی موسوم به «یرغو» و زیر نظر یرغوچی حل و فصل می‌شد.

(تاریخ اسلام (۲)، عصر فوارزشاهیان، مغول- تیموری، صفحه ۱۰۹)

۲۰۲- گزینه ۲»

(زهره دامپار)

بابر یکی از شاهزادگان تیموری، حکومتی را در هند بنیان گذاشت که به «گورکانیان هند» یا «مغولان کبیر» معروف شد.

(تاریخ اسلام (۲)، عصر فوارزشاهیان، مغول- تیموری، صفحه ۱۰۶)

۲۰۳- گزینه ۲»

(زهره دامپار)

موج اول حمله مغول به ایران که با فرمان چنگیزخان انجام گرفت، شش سال طول کشید.

(تاریخ اسلام (۲)، عصر فوارزشاهیان، مغول- تیموری، صفحه ۱۰۳)

۲۰۴- گزینه ۳»

(زهره دامپار)

شهر و شهرنشینی در عصر تیموریان برخلاف اوایل دوره مغول، دچار رکود و زوال نشد. تیمور با وجود یورش‌ها و کشتارهای زیادی که انجام داد، به شهرسازی علاقه‌مند بود.

(تاریخ اسلام (۲)، عصر فوارزشاهیان، مغول- تیموری، صفحه ۱۰۷)

۲۰۵- گزینه ۲»

(زهره دامپار)

بنیان قوانین جاری در ایران دوران اسلامی مبتنی بر دو سرچشمه شریعت اسلام و عرف بود. محاکم سه‌گانه شرع، مظالم و حسبه براساس قوانین دینی و عرفی قضاوت می‌کردند.

(تاریخ اسلام (۲)، عصر فوارزشاهیان، مغول- تیموری، صفحه ۱۰۹)